

تبیین معناشناسی شناختی مفاهیم «راع» و «رعیت» بر مبنای حدیث نبوی و ارتباط آن با حقوق شهروندی

محمد حسین جمشیدی*

استادیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

مفاهیم در هر زبانی به مثابه دال‌ها یا نشانه‌هایی هستند که بر معانی دلالت دارند که خود اعتبار بشری هستند و تحت تاثیر عوامل گوناگون، گاه گرفتار دگردیسی می‌گردند. از شاخص‌ترین این مفاهیم که دچار نوسان گفتمانی عرضی و قلب معنا شده، واژه‌های «رعیت» و «راع» است که اولین بار در کلمات رسول الله (ص) بکار رفته است. اما بتدریج در عرصه معناشناسی سیاسی دگرگونی یافته و گفتمان الگوی منفی شبانی حکومت و ناتوانی مردم در تدبیر سرنوشت خویش را در پی داشته است.

با توجه به اهمیت این فرهنگ واژه‌های سیاسی و تاثیر دگردیسی معنای آنها از یکسو و اهمیت مساله حقوق شهروندی و ارتباط آن با این مفاهیم از سوی دیگر، این پرسش مطرح می‌گردد که در نگرش معناشناسی شناختی، مفاهیم راع و رعیت چگونه تعبیر می‌شوند و معانی راستین آنها در عرصه سیاست چیست؟ هدف نوشتار تبیین معناشناسی ساختاری حدیث نبوی راع در جهت شناخت حقیقت گفتمان شبانی است. یافته‌های تحقیق که با رویکرد تحلیلی حدیث نبوی «کلکم راع» و بر مبنای نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون از طریق داده‌های کتابخانه‌ای بدست آمده، بیانگر این است که کاربرد این مفاهیم در متن حدیث استعاره مفهومی ساختاری بوده و دارای معنای ارزشی و انتزاعی نگهبانی و رعایت است. بنابراین، گفتمان شبانی (راع - رعیت) در اصل به مفهوم «نگهبانی» و «خدمت» و در نتیجه «پذیرش مسئولیت» و «تحقق حقوق شهروندی» بر مبنای مصالح و شئون شهروندان یا اصطلاحاً رعیت است و برابر نهاد گفتمان سلطه و نیاز یا استبداد بوده و در نتیجه گفتمان خدمتگزاری پاسخگو و گفتمان امانتداری و نگهبانی عمومی است.

کلیدواژه‌ها: راع، رعیت، معناشناسی شناختی، حدیث نبوی، حقوق شهروندی

۱. مقدمه

مفاهیم در هر زبانی هویت و چیستی خویش را از فرهنگ و نگرش حاکم بر آن زبان می‌گیرند و در واقع آنها، آیات، یا نشانه‌هایی‌اند که بر مدلول‌ها دلالت دارند اما دراصل معانی را نیز چون نامها بشر اعتبار می‌کنند و فرآیند معناسازی را شکل می‌دهد. از این حیث زبان «که سازمان دهی معنا جز از طریق آن میسر نیست» (شعیری، ۱۳۹۵: ۸) و واژه‌ها بیانگر اندیشه و تجربه بشرند. به زبان فیلسوف آیزایا برلین^۱: «الفاظ، فقط الفاظ نیستند یا مشتی مهره در فلان بازی زبان‌شناسی، لفظ مبین فکراست. زبان به تجربه دلالت میکند...» (مگی، ۱۳۷۸: ۳۰) پس «بدون آگاهی از این مفاهیم اساسی راهی برای ورود به متن اندیشه‌ها وجود ندارد یا اگر دارد به بیراهه یا کوره راه می‌رود.» (جمشیدی، ۱۳۸۵: ۲۱) بر همین مینا، با تغییر اعتبار بشری در حوزه معانی، اینان تغییر یافته در حالی که واژه‌ها همچنان مانده و دچار نوسان معنایی می‌شوند. همین امر تبدیل به مستمسکی برای قدرت‌ها و فرمانروایان در طول تاریخ شده است تا به جای وضع واژه‌ها و مفاهیم جدید که برای مردم نامانوس یا درک ناشدنی بوده، از واژه‌ها و مفاهیم معتبر و جا افتاده بهره گرفته و با ایجاد نوسان معنایی برای آنها به صورت عرضی و تقابلی یا تغییر در معنا و مدلول آنها به مقاصد خود نائل گردند.

در این میان، یکی از شاخص‌ترین مفاهیم فارسی و عربی که از این حیث دچار نوسان گفتمانی عرضی یعنی دگرگونی و قلب معنا گشته است واژه‌های «رعیت»^۲ و «راع»^۳ است. این واژه‌ها که اولین بار در کلمات رسول الله (ص) و امیر مومنان (ع) بکار رفته (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۴۳) بتدریج در عرصه نوسان معنایی سیاسی دگرگون گشته و گفتمانی مغایر دیدگاه پیامبر (ص) را بوجود آورده‌اند. بر مبنای چنین گفتمانی در فرهنگ عامه و برتر از آن در زبان فقهی و حقوقی واژه راع به معنای چوپان و در مقابل واژه رعیت به معنای نیازمندان به راع - چیزی شبیه به گوسفندان (مراعی) و نیز دیوانگان و سفیهان - تفسیر شده است و بر همین مینا، گفتمان الگوی منفی شبانی^۴ حکومت و ناتوانی مردم در تدبیر سرنوشت خویش شکل گرفته است که بر اساس آن «در صورت نبودن چوپان، گله موجودیت خود را از دست می‌دهد» (هیندس، ۱۳۸۰: ۱۴۰) و در نتیجه «مفهوم منفوری که تدریجاً در زبان فارسی بخود گرفته است.» (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۴۳) در نهایت باعث شده تا این گونه تصور شود که در فرهنگ اسلامی و بیانات

پیشوایان معصوم، مردم به مثابه رعیت تعریف می‌شوند و رعیت نیز نقطه مقابل راع به معنای شبان و بیانگر خصلت ناتوانی و وابستگی به قدرت شبان است. یعنی این نتیجه بدست می‌آید که مردم ناتوانانی از اداره خود عاجز و همچون گله گوسفند نیازمند شبانند ورنه در دام گرگ (بیگانگان) گرفتار می‌آیند. در همین ارتباط امثله ای چون «رعیت تابع ظلم است. مرده را که بحال خود گذاری کفن خویش خراب کند.» (دهخدا، ۱۳۸۳ ج ۱: ۱۰۶) و یا «قالی را تا بزنی گرد درمی آید، رعیت را تا بزنی پول.» (دهخدا، ۱۳۸۳ ج ۲: ۱۱۵۴)

این برداشت گاه با تکیه نادرست بر برخی از احادیث در باب امامت و رهبری، تقویت گشته و حالت انفعالی مردم را در برابر حاکمان تایید می نماید. بگونه ای که در اثر چنین برداشت ناروا و غلطی نظام سیاسی اسلامی نوعی نظام ارباب رعیتی تصور می شود^۱ که می-تواند مشروعیت بخش فرمانروایی مستبدان گردد بویژه که «جایگاهی با اهمیت نیز در اندرنامه های سیاسی یافته است.» (دلیر، ۱۳۹۳: ۷۳-۷۷) مثلاً غزالی می نویسد: «رعیت ما، مره ماست.» (غزالی، ۱۳۶۱: ۱۵۶) درحالی که نظر نویسنده بر آن است که هرگز اینگونه نیست و بسیار بعید بنظر می‌رسد که پیامبر اسلام (ص) بدنبال تبیینی این چنینی از کاربرد مفاهیم راع و رعیت بوده باشد. براین مبنا، پرسش اصلی این تحقیق چنین است:

در نگرش معنا شناسی شناختی استعاری^۲، مفاهیم راع و رعیت مطرح در حدیث نبوی چگونه تعبیر و معنا می‌شوند و معانی راستین آنها در عرصه سیاست و زندگانی سیاسی-اجتماعی چیست و چه ارتباطی با حقوق شهروندی دارد؟

انگاره اساسی تحقیق نیز این است که معنای مفاهیم استعاری^۳ راع و رعیت در زبان رسول الله (ص) و فرهنگ اسلامی - ایرانی بیانگر اصل مسئولیت انسان‌ها نسبت به یکدیگر به مثابه رابطه ای انسانی و مدنی و حق برابر همه افراد جامعه یا تحقق حقوق شهروندی است و محور این رابطه «رعایت» یا حکمرانی به مفهوم نگهبانی است که بیانگر دو اصل تدبیر حکیمانه در جهت سعادت عمومی واحقاق حقوق شهروندی^۴ مطابق شئون افراد است.

در پاسخ به پرسش مورد نظر ما با رویکردی تحلیلی^۵ و بر مبنای نظریه استعاره مفهومی^۶ معناشناسی شناختی جرج لیکاف^۷ و مارک جانسون^۸ به تبیین مفاهیم «راع» و «رعیت» با تکیه بر حدیث نبوی معروف "کلکم راع" (مجلسی، ۱۴۱۶، ق: ۷۲، ص: ۳۸) و داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی می پردازیم. برای درک این رابطه، همچنین ضرورت معناشناسی^۹ واژه‌های راع

(شبان) و رعیت (مردم) مبرهن می‌گردد. اهمیت موضوع از بعدی به این امر باز می‌گردد که آیا سیاستمداری برد و باخت است و سیاست آن است که « که می برد؟ چه می برد؟ چه وقت می برد؟ و چگونه می برد » (Tansey, 1999:33) و حاکمان همانند شبانان، رمه یا رعیت را برای کسب منافع خویش می‌خواهند یا سیاست، تدبیر «سرنوشت مشترک آدمیان» (جمشیدی، ۱۳۸۵: ۵) و تامین حقوق شهروندی است. بعد دیگر اهمیت بحث به مسأله درک صحیح مفاهیم از منظر حضرت محمد(ص) به مثابه برترین اسوه بشریت، باز می‌گردد.

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع بررسی حدیث معرف راع و رعیت چند کار پژوهشی به شرح زیر صورت گرفته است.

۱. نویسنده در نوشتاری با عنوان «حکومت و رعایت؛ درآمدی بر فلسفه سیاسی حکومت در اسلام» منتشر شده در دانش سیاسی (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۶۱-۶۷) که در آن مفهوم رعایت مبنا و فلسفه سیاسی حکومت در نظر گرفته شده است و این موضوع با تکیه بر حدیث راع و شرحی بر آن تحقق یافته است.
- ۲- نویسنده در نوشته دیگری با عنوان «فلسفه وجودی حکومت در اندیشه پیامبر رحمت» در روزنامه ایران (جمشیدی، ۱۳۹۳: ۱۷) با بررسی مختصر حدیث مبنا و فلسفه وجودی حکومت را تحقق مسئولیت عمومی در قبال مرد مو شهروندان دانسته است.
۲. خانم نیره دلیرنیز در مقاله «گفتمان رعیت و راعی در نظام اندرزنانه ای دوره اسلامی» چاپ شده در جستارهای سیاسی معاصر (دلیر، ۱۳۹۳: ۶۲-۸۲) به بررسی مفهوم رعیت از ظهور تا رواج آن در دوره میانه اسلامی تحت تاثیر حدیث پیامبر(ص) پرداخته است.
۳. خانم نگارذیلابی در مقاله تطور اصطلاح و قشربندی رعایا در تشکیلات اسلامی، (ذیلابی، ۱۳۹۳: ۸۷-۱۰۴) تنها به بررسی مفهوم رعیت و سیر تحول مفهومی معنایی آن در سه حوزه معنایی پرداخته ولی کاری به تبیین و تحلیل حدیث نبوی راع نداشته است.
- ۳- دکتر محمد راتب نابلسی در شرح ریاض الصالحین باب درجات المسئولیه فی الاسلام کما ورد فی الحدیث... با نگاهی ارشادی و تبلیغی به شرح ادبی و واژه شناسی متن حدیث پرداخته است. (nabulsi.com/text/sal044.pdf)

۴- عبد الله بن عبدالرحمن الجبرین نیز در نوشته ای با نام شرح حدیث کلکم راع به توصیف ادبی حدیث و شرح مسئولیت های مطرح در حدیث با تکیه بر تربیت فرزندان پرداخته است (islamweb.net/index.page147787)

علاوه بر این دو اثر اغلب نویسندگان و محققان مسلمان در بحث امر به معروف و نهی از منکر یا بحث مسئولیت اجتماعی و سیاسی یا در متون حدیثی تنها به صورت گذرا به حدیث مزبور اشاره کرده اند. به عنوان مثال مرتضی مطهری در کتاب حماسه حسینی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر با توضیح مختصری به آن اشاره کرده است (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۸۲/۱۷) ولی هیچ تبیین و تحلیل معناشناسانه ای شناختی استعاری از آن صورت نگرفته است که بتواند آن را در قالب گفتمان سیاسی مشخص و به مثابه مفهوم استعاری مورد توجه قرار دهد. در حالی که با توجه به وجود برداشت منفی و غلط رایج از حدیث تحلیل معنا شناسانه آن از منظر نظریه استعاره مفهومی ضروری به نظر می رسد.

۳. چارچوب نظری

در این بررسی مبنای نظری مورد استفاده نویسنده، نظریه استعاره مفهومی معنا شناختی لیکاف و جانسون است. (Lakoff & Jhonson, 2002) معنا شناسی «اصطلاحی فنی است که به مطالعه معنا^{۱۵} اطلاق می شود.» (پالمر، ۱۳۸۵: ۱۳) و از روش های نوین پژوهش بویژه در آثار دینی و سیاسی است که «به عنوان ابزاری برای مطالعه علمی معنا، به توصیف پدیده های زبانی در چارچوب یک نظام می پردازد.» (صفوی، ۱۳۸۷: ۲۸)

بر این مبنای، از آنجا که جهان قابلیت درک یکجا را ندارد، لذا ذهن انسان... یک عده صورت های جدا و منفرد می سازد که همان واژگان زبان است. (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۱۷-۲۰) این در حالی است که زبان پیوند عمیق با اندیشه دارد (Chomsky, 2006: 1-20) و بلکه بر کنش هر روزه ما حاکم هست (Lakoff and Johnson, 2003: 3) و تحت تاثیر عوامل گوناگون تحول می یابد. به بیانی: «معنا امری بسیار گسترده است... اما این نوسان معنا بر اساس رابطه بین کنش گران با دنیا و چیزها تعریف می گردد...» (شعیری، ۱۳۹۵: ۵)

نظریه استعاره مفهومی یا به تعبیر لیکاف و جانسون «نظریه معاصر استعاره^{۱۶}» (خادم

زاده و سعیدی مهر، ۱۳۹۳: ۱۰، صارمی، ۱۳۹۳: ۲۶-۲۷) یکی از نظریات مهم معنی شناسی است که قائل است زبان بخشی از توانایی عمده‌تر شناختی بشر است. مفهوم محوری این معنی شناختی استعاره مفهومی است. (یوسفی راد، ۱۳۸۲: ۳۶-۳۷) این نظریه که «به استعاره جایگاهی ویژه در ساختار بندی تفکر و شناخت انسان می‌دهد (گلشائی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۲۴) مدعی است که نه تنها زبان، بلکه شیوه درک ما از مقولات انتزاعی جهان برمبنای استعاره استوار است و استعاره اساساً فرایندی ذهنی و شناختی است. (سجودی و قنبری، ۱۳۹۱: ۱۳۷) از این منظر، استعاره عنصری بنیادین در مقوله بندی و درک انسان از جهان خارج و نیز در فرایند اندیشیدن است. بنابراین در این رویکرد، استعاره مفهومی نوین میباید و به هرگونه فهم و بیان یک مفهوم انتزاعی در قالب تصورات ملموس‌تر گفته میشود. (Lakoff, ۱۹۹۳: ۲۸)

در این نظریه کانون استعاره در مفهوم است نه در کلمات و اینکه مفاهیم بوسیله استعاره های چند گانه ای درک می شوند که دارای مفهومی مستدل اند. (Lakoff & Johnson, 1980: 244) و اینکه ما بر پایه استنباط هایی که بوسیله استعاره‌ها به دست می‌آوریم، زیست می‌کنیم. (Lakoff & Johnson, 1980: 272) حتی در نگاه لیکاف استعاره ما را قادر می‌سازد موضوعی نسبتاً انتزاعی یا فاقد ساخت را برحسب امری عینی، ملموس یا دستکم ساختمندتر کنیم (Lakoff ۱۹۹۳: ۲۳۲) «از این دیدگاه استعاره برحسب ضرورت و نیاز بشر به درک و بازنمایی پدیده های ناآشنا، با تکیه بر ساخت واژه ها و اطلاعات قبلی شکل می‌گیرد (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۰) در این راستا لیکاف و جانسون به تبیین انواع استعاره پرداخته‌اند. ما در این نوشتار با تکیه بر استعاره‌های ساختاری^{۱۷} که سامان دهی یک مفهوم در چارچوب مفهوم دیگری است (Lakoff & Johnson, ۲۰۰۳: ۴) به تحلیل مفاهیم حدیث نبوی راع می-پردازیم. در این راستا ابتدا ریشه‌شناسی لغوی، بعد از آن معناشناسی در زمانی با تکیه بر قرآن و حدیث یا به تعبیر روبینز^{۱۸}: «مطالعه تغییراتی که در گذر زمان بر واحدهای زبانی حادث می‌شود.» (روبینز، ۱۳۸۴: ۴۱۸) و سپس تحلیل معناشناسی استعاری^{۱۹} آن را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۴. مفاهیم مورد بررسی در احادیث

گفتمان رابطه راع و رعیت، علاوه بر اینکه ریشه در نظام سیاسی شبانی دارد، بر گرفته از احادیث نبوی و سایر پیشوایان معصوم، فرهنگ قرآنی و سیاستنامه‌های دوران اسلامی است. از آنجایی که این گفتمان که ما آن را گفتمان رعایت یا شبانی می‌نامیم در احادیث پیشوایان معصوم دین بوضوح مطرح شده است، در اینجا ابتدا به مواردی چند از احادیثی که مفاهیم مورد نظر در آنها آمده، به عنوان ماده تحقیق، اشاره می‌گردد. گزینش این موارد بیانگر تلاش پیشوایان معصوم در جهت گفتمان سازی سیاسی- فرهنگی استعاری ساختاری و لذا معنا بخشی به مفاهیم مورد نظر است. این روایتها عبارتند از:

۱- «(الْا)كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ.»^{۲۰} (مجلسی، ۳۸/۷۲، مسلم، ۱۴۲۰ق: ۸۲۵، دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۱۸۴/۱، ورام، بی تا: ۶/۱ و...) ترجمه: (آگاه باشید، همگی شما نگهبانید و همگان تان در برابر رعیت [مورد نگهبانی] خود، مسئول هستید).

۲- «(الْا)كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ فَالْأَمِيرُ (الْإِمَامُ)^{۲۱} الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ، وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ، الْا فِكُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ.» (احسائی، ۱۴۰۵ق: ۱۳۰/۱، مسلم، ۱۴۲۰ق: ۸۲۵، ورام، بی تا: ۶/۱ و...) «آگاه باشید، همگی شما نگهبانید و همه شما در برابر رعیت خود، مسئول هستید. مرد، نگهبان و سرپرست خانواده اش است و در برابر آنها مسئول است. و زن نگهبان و سرپرست خانه همسرش و فرزندان اش است و در برابر آنها مسئول است. و بنده سرپرست دارایی اربابش است و در برابر آن مسئول. آگاه باشید پس شما همگی نگهبانید و همه شما مسئول در برابر رعیت خود.»^{۲۲}

۳- «ما من عبد استرعاه الله رعية فلم يحطها بنصيحة، إلا لم يجد رائحة الجنة» (بخاری، ۱۴۲۲ق: ۱۲۶۳) «هیچ بنده ای نیست که خداوند یکتا نگهبانی و سرپرستی جمعی را بدو سپارد و او دراماننداری و خیر خواهی آنان نکوشد، جز اینکه هرگز بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید.»

۴- «أَيُّ رَاعٍ اسْتَرَعى رعيته فلم يحطها بالامانة والنصيحة ضاقت عليه رحمة الله تعالى التي

وسعت کل شیء» (وهج الفصاحه، ۱۴۰۸ق: ۳۹۱، راهنمای انسانیت، ۱۳۷۷: ۳۴۵) هر کس سرپرستی گروهی از مردم را برعهده گیرد و در حکومت آنان به امانتداری و خیر خواهی نکوشد، رحمت خداوند متعال که همه چیز را در برگرفته است او را در نمی یابد.»

۵- «أَيُّمَا رَاعٍ غَشَّ رَعِيَّتَهُ فَهُوَ فِي النَّارِ» (نهج الفصاحه، ۱۳۷۷: ۱۰۲۷) هر فرمانروایی که مردمش را فریب دهد، در آتش است.

۶- أَيُّمَا رَاعٍ لَمْ يَرْحَمْ رَعِيَّتَهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ. (نهج الفصاحه، ۱۳۷۷: ۱۰۲۸) هر فرمانروایی که به مردم خود رحم نکند خداوند بهشت را بر او حرام می کند.

۷- إِنْ لَمْ يَسْأَلْ كُلَّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرْعَاهُ: أَوْ حَفِظَ ذَلِكَ أُمَّ ضَيْعَهُ حَتَّى يَسْأَلَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ (محمدی ری شهری، ۱۴۱۹ق: ۱۲۱۲/۳-۱۲۱۳). خداوند متعال از هر سرپرستی نسبت به آنچه سرپرستی اش را به او وا گذار کرده است بازخواست می کند؛ خواه از آن به خوبی پاسداری کرده باشد، یا تباهاش کرده باشد. حتی از مرد، درباره خانواده اش بازخواست می شود.

۸- امام علی (ع): قُلُوبُ الرَّعِيَّةِ خَزَائِنُ رَاعِيهَا فَمَا أُوْدِعَهَا مِنْ عَدْلِ أَوْ جَوْرِ وَجَدَتْ؛ دل‌های مردم صندوقچه‌های فرمانروا است، پس آنچه از عدالت و یا ظلم در آنها بگذارد، همان را خواهد دید. (خوانساری، ۱۳۷۳: ۴/ ۵۲۱)

۹- پیامبر (ص) خطاب به امیر مؤمنان علی (ع): «أَنَا وَأَنْتَ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ فَلَعْنُ اللَّهُ مَنْ عَقَنَا... ثُمَّ قَالَ أَنَا وَأَنْتَ رَاعِيَا هَذِهِ الْأُمَّةِ فَلَعْنُ اللَّهُ مَنْ ضَلَّ عَنَا قَلَّ آمِينَ قَلَّتْ آمِينَ.» من و تو پدران این امت هستیم. پس خداوند لعنت کند کسی را که با ما دشمنی ورزد... سپس فرمود من و تو نگهبانان و سرپرستان این امتیم، پس نفرین خدایر کسی باد که از ما دورافتد. بگو امین، گفتم آمین» (مجلسی، ۳۳/۵، ابن بابویه، ۱۳۶۶: ۱۱۸)

۱۰- امام حسین (ع): «...وَعَلَى الْإِسْلَامِ، السَّلَامُ إِذْ قَدْ بُلِيَّتِ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدَ، وَ لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: الْخِلَافَةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى آلِ أَبِي سُفْيَانَ»^{۳۳} (مجلسی، ۱۸۴/۱)

۱۱- امام علی (ع): وَأَعْظَمُ مَا إِفْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تَلْكَ الْأَحْقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وَ حَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ فَجَعَلَهَا نِظَامًا لِأَلْفَتِهِمْ وَ عَزَاً لِدِينِهِمْ فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاءِ وَ لَا تَصْلُحُ الْوَلَاءُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ فَإِذَا أَدَّتْ الرَّعِيَّةُ إِلَى

الْوَالِي حَقُّهُ وَ أَدَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ...^{٢٤} (نهج البلاغه: خ ٢١٦)

١٢- «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَ أَعْمُهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ...»

(نهج البلاغه: نامه ٥٣)

باید دوست داشتنی ترین کارها نزد تو کاری باشد که بهترین از جهت حق و عمومی ترین از نظر عدالت است و بیشترین رضایت مردمی را به دنبال بیاورد.

١٣- «فَإِنَّ حَقًّا عَلَى الْوَالِي أَلَّا يَغْيِرَهُ عَلَى رَعِيَّتِهِ فَضْلًا نَالَهُ.» (نهج البلاغه: نامه ٥٠) همانا بر زمامدار واجب است که اگر اموالی به دست آورد، یا نعمتی مخصوص او شد، نسبت به مردم دچار دگرگونی نشود.

١٤- «تَمَّ إِخْتَرُ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ» (نهج البلاغه: نامه ٥٣)

و برای قضاوت در میان مردمانت، یکی از افرادی را برگزین که از نظر تو برتر از دیگران است. تنها در نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر ٢١ بار واژه رعیت ذکر شده است که غالباً نقطه مقابل آن ولاه (والیان) یا والی است. (نهج البلاغه: نامه ٥٣)^{٢٥}

٤. مفهوم شناسی دو واژه راع و رعیت

٤.١. تبیین معنانشناسی لغوی

به لحاظ ریشه شناسی^{٢٦} یا مطالعه طرز ساخت تاریخی معناها (حاجی خانی، روحی برندق و دهقان، ١٣٩٥: ٢٨) واژه های «راع»، «رعیت»، «رعایت» و «مراعات» از ریشه یا مصدر سه حرفی^{٢٧} «رعی» = «رعا» می آیند که در زبان عربی، به معنای مراقبت و نگهداری از حیوان، غذا دادن و رسیدگی به آن یا تیمار و سرپرستی حیوان در جهت حمایت از آن بادر نظر گرفتن شؤ و نش است. راغب می نویسد: «الرعی در اصل محافظت از حیوان است یا از طریق تغذیه و پرورش آن که حافظ زندگانی اش می باشد و یا به حفظ و نگهداری او از دشمن.»^{٢٨} (راغب، ١٤٠٤: ق، ١٩٨)

او در ادامه بر عنصر حفاظت و نگهداری تأکید میورد: «گفته می شود: رعیت، یعنی اورا پاسداری کرد» (راغب، ١٤٠٤: ق، ١٩٨) در سایر فرهنگها نیز «رعی» به همین معنی آمده است. مثلاً در لسان العرب: «الرعی مصدر رعا: حفاظت کردن، مراقبت کردن، مواظبت کردن» (ابن منظور، ١٣٨٨: ١٤/٣٢٥) او بر همین اساس راعی را نگهبان و حارس می خواند: «و راعی کسی

است که نگهبان جاندار است یعنی آن را حمایت و حراست (يَحْوِطُهَا و يَحْفَظُهَا) می کند. ابن منظور، ۱۳۸۸: ۳۲۵/۱۴) پس در چنین برداشتی مراعات به معنای محافظت و نگهبانی است. (ابن منظور، ۱۳۸۸: ۳۲۵/۱۴)

طریحی در مجمع البحرین رعی را با دقتی بیشتر «حفظ عین هر چیز» قلمداد کرده است و حفظ عین را همراه با تأمل و معرفت نسبت به آن می داند: « زمانی گفته می شود رعیت الرجل ، که شخص مورد دقت نظر و حراست (نگهبانی) و شناسایی اعمالش قرار گیرد.»^{۲۹} (طریحی: ۱۹۰/۱) پس او دو عنصر تأمل و شناخت را به عنصر نگهبانی اضافه نموده است و از آن معنای ملاحظه را استنباط کرده است: «آن(رعی) از مصدر رعایت است و به معنای مراعات و ملاحظه (مورد دقت و توجه قرار دادن) می باشد.» (طریحی: ج ۱، ص ۱۹۰) براین اساس رعی نگهبانی همراه با آگاهی می باشد. (طریحی: ۱۹۰/۱) سپس به عبارت مشهور "رعایت الحق" پرداخته و از دو عنصر حفاظت و تأمل در آن در جهت نگهبانی یاد می کند: «ورعایة الحق نگهبانی و حفاظت آن و دقت در آن است.»^{۳۰} (طریحی: ۱۹۱/۱) در کتاب العین نیز پذیرش تعهد «اذا تعاهد امره» (فراهیدی، ۱۴۰۹هـ: ۲۴۱/۲) آمده است. سایر فرهنگها نیز کم و بیش چنین نگاهی دارند. مثلاً در المحيط، مراقبت (صاحب، ۵۱۴۱۴: ۱۴۷/۲) و در تاج العروس و الصحاح از قول ابن سکیت آمده «رعیت علیه حرمته رعایة» (زبیدی، ۵۱۴۱۴: ۶۸/۱۹ و جوهری، ۱۳۷۶: ۵۱۳۷۶: ۲۳۵۹/۶)

درفرهنگهای فارسی نیز رعایت از مقوله های نگهبانی و حراست و تکریم و نوازش و نظایر آن دانسته شده است. مثلاً دهخدا این معانی را برای واژه رعایت آورده است: «نگاهداشت...نگاهداشت حق...پاس داشتن...تکریم ، سیاست و تدبیر، بخشایش، نوازش، مهربانی، دستگیری...» (دهخدا: ۱۳۸۳: رعایت). بنابر این در فارسی، رعی و رعایت به معنای پاسداری، حفاظت، نگهبانی و تکریم و به طور کلی حفظ حدود و شؤون هرچیز می باشد.

درفرهنگهای دو زبانه عربی نیز رعی به همین معانی آمده است. مثلاً: «رعی...چراندن...نگهداری کردن (ازگله) مواظبت کردن، نگهداری کردن (کسی را)...مواظبت کردن، رسیدگی کردن...توافق داشتن (با چیزی) رعایت کردن...در نظر داشتن...نگهداری، مراقبت، مواظبت، حمایت... سرپرستی...» (آذرنوش، ۱۳۷۹، ص ۲۴۰)

گاه نیز رعی و رعایت به معنای تأمل و دقت نظر در امور برای به کمال رساندن یا درک حقیقت آنهاست. برای مثال: «بدترین مردم شخصی است که کتاب خدا را می خواند بدون آنکه

چیزی از آن را رعایت نماید...» (ابن منظور، ج ۱۴، ص ۳۲۸) همچنین رعایت مترادف با تکریم، بخشش، احترام، نوازش و خدمتگزاری است. ابن ابی الحدید آمده است: «ولاراع ينظر بعین رحمة» (ابن ابی الحدید: ۱۲/۱۵). همچنین، راع مترادف با مدبر و تدبیر کننده آمده است: «ولیساً من رعاة الدین...» (طریحی: ۱۹۰/۱) یعنی واز مدبران دین نیستند.

۵. مفهوم شناسی رعایت در قرآن و حدیث

همانطور که بیان شد مصدر و جوهر اصلی راع و رعیت، رعایت به مفهوم پاسداری و نگهداری است. این موضوع در قرآن و روایات به صراحت مطرح شده است. مثلاً در قرآن در مورد مسیحیانی که راه حق را آن گونه که باید نرفتند، می خوانیم: «فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَائِهَا...» (حدید: ۳۷) «پس آن (دین و کتاب عیسی (ع) را آن گونه که باید و شایسته بود مراعات نکردند.» که به بیان مفسران معنایش این است: «آن را آن گونه که شایسته حراست و نگهداری بود حراست و نگهداری نکردند.» (راغب، ۱۴۰۴: ۱۹۸) و «المحافظه : المواظبه علی الامر» (ازهری، ۵۱۴۲۱: ۴/۲۶۵)

در احادیث پیامبر اسلام (ص) آمده: « هر چیز را ابزار و ذخیره ای است و ابزار و ذخیره مؤمن خرد است... و هر قومی را نگهداری است و نگهدار پرستش گران خرد است (و لِكُلِّ قَوْمٍ رَاعٍ وَرَاعِيَ الْعَابِدِينَ الْعَقْلُ)...» (نوری، ۵۱۴۰۸: ۲۰۶/۱۱: ۹۵/۱) منظور از راع در اینجا نگهدار و راهنما هردوست و خرد نگهدار و راهنمای عابدین است. بعلاوه، نمونه راع نیز از منظر پیامبر (ص)، آن حضرت و امیر مومنان (ع) هستند. (ابن بابویه، ۱۳۶۶: ۱۱۸). در روایتی دیگر نیز در بیان شاخص های شناخت امام به راعی که از مسئولیت خویش فرار نمی کند و طفره نمی رود اشاره شده است: «امام، دانشمندی است که جهل نمی ورزد و نگهداری است که از مسئولیت خود طفره نمی رود.»^{۳۱} (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۴۳۶)

حضرت علی (ع) نیز، پیامبر اکرم (ص) را به عنوان راعی امت معرفی نموده و مردم را به پیروی از دعوت آن بزرگوار خوانده است: «داع دعا و راع رعی، فاستجیبوا للداعی، و اتبعوا الراعی.» (نهج البلاغه: خطبه ۱۵۴)^{۳۲} او همچنین در فرمان خویش به مالک اشتر، حاکم جامعه را «راعی» و مردم را «رعیت» خوانده و می فرماید: «و اعلم أنه ليس شيء بأدعى إلى حسن ظنّ

راعٍ برعیتة من احسانه الیهم. (نهج البلاغه: نامه ۵۳) و بدان که هیچ وسیله ای برای جلب اعتماد امام به رعیت خویش، بهتر از احسان به آن‌ها و... نیست. بارها نیز در جملات خویش از مردم به رعیت یاد فرموده اند. برای نمونه به مالک اشتر می‌نگارد «ولیکن أحب الأمور الیک أو سطها فی الحق... و أجمعها لرضی الرعیة.» (نهج البلاغه: نامه ۵۳): باید محبوب‌ترین کارها نزد تو اموری باشند که با حق سازگارتر... و با رضایت مردم هماهنگ تر می‌باشند

امام صادق (ع) در بیانی از امیر المؤمنین (ع) سخن از بودن برای حقوق الهی که به معنای احساس مسئولیت نسبت به آنهاست به میان می‌آورد: «ونگهبان هر آنچه بعنوان امانت در دست توست باش و نیز نگهبان و تحقق بخش (راعياً) حق الهی در مورد آن باش.» (کلینی، ۱۳۶: ۵۳۷/۳) و نیز با صراحت از نصب راعی یا سیاستمدار از سوی خدا سخن می‌گوید: «آیا نمی‌بینی که خداوند نگهبان و سرپرستی رامیگمارد و خلیفه ای راجانشین می‌سازد...» (مجلسی، ۵۱۴۰۴: ۱۳۷/۲۶: طوسی، ۱۴۱۴: ۴۴۳: ۴۴۳)

درنیاایشها نیز خداوند را راعی بشر میخوانیم: «یا أروی من کل راعٍ» (کفعمی: ۳۵۱، نوری، ۲۰۷/۱۱): ای نگهبان تراز هر نگهبان و رعایتگری. یا در دعای جوشن کبیر: «یاراعی من استرعاہ...» (قمی: جوشن کبیر).^{۳۲}: ای راهنمای کسی که راهنمایی بخواهد و ای نگهبان کسی که حراست طلبد. مجلسی در بحار الانوار در شرح حدیثی از امام ابوالحسن موسی کاظم (ع) که در مورد جاه طلبی است و ظاهراً در اشاره به آیه ۸۳ قصص^{۳۴} است و در آن امام (ع) زیان حب ریاست بر مردم را از زیان دو گرگ درنده برای گله (بی شبان) شدیدتر می‌داند^{۳۵}، می‌نویسد: «...عبارة تفرق الرعاء برای بیان شدت زیان است. پس راعی (شبان) آنگاه که حضور دارد، گرگ راززیان زدن به رمه باز می‌دارد و از رمه حمایت و حراست می‌نماید...» (مجلسی: ۱۴۶/۷۰)^{۳۶}

بنابراین، در این نگرش خدا، پیامبران و امامان راعیان بشرند و راعی نه تنها نگهبان و حافظ حقوق مردم بلکه راهنما و هادی آنان نیز هست. همچنین از معانی رعایت می‌فهمیم که آن رابطه ای معنایی مرکب از پنج عنصر زیر است:

۱- ملاحظه و تدبیر ۲- احقاق حق ۳- نگهبانی ۴- خدکتگزاری و مهرورزی.

۶. مفهوم شناسی سیاسی مفاهیم بر مبنای نظریه استعاره مفهومی

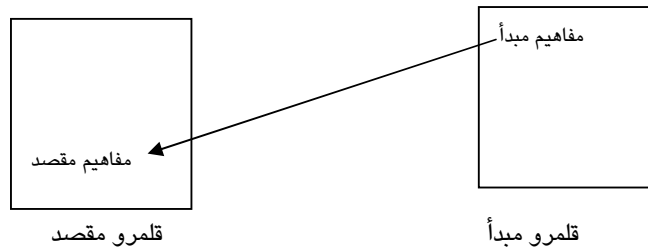
هر چند واژه های راع و رعیت در اصل عربی هستند و در دوره اسلامی وارد فرهنگ سیاسی

ماشده اند و « باتوجه به احادیث پیامبر و روایات اسلامی رایج و شایع شدند.» (دلیر، ۱۳۹۳: ۶۵) اما کاربرد استعاره شبان و رمه برای رهبری و حکمرانی در فرهنگ ما تاریخی بس کهن دارد و بارهادر متون دینی نیز بکار رفته است. برای نمونه: «و چنانی که شبان گله خود را نگاه می- دارد آن را نگاه خواهد داشت.» (عهد عتیق، ارمیای نبی: ۱۱/۳۱) که بیانگر معنای استعاری سیاسی^{۳۷} آن است. هرچند گفته شده در متون فارسی پهلوی این رابطه به صورت رابطه میان مردم و پادشاه (Jamashb, 1897: 98) آمده اما غالباً زبان استعاره درکار بوده است. مثلاً از زبان کوروش کبیر نقل شده است: پادشاه خوب مانند شبان خوب است. (انصاری، ۱۳۹۳) پس برمبنای نظریه استعاره مفهومی، از منظر سیاسی نیز مفهوم رعایت مفید همان معانی پیش گفته یعنی نگهبانی، پاسداری و سرپرستی مدبرانه و مبتنی بر حکمت است که در اصل معنای حقیقی سیاست را در نگرش دینی ما به صورت خاص - از متون دینی زرتشتی گرفته تا عهد عتیق و جدید و منابع اسلامی (کتاب و سنت) منعکس می‌سازد. این امر نشان می‌دهد که کاربرد این مفاهیم از جنس استعاره مفهومی ساختاری است. از همین رو در فرهنگهای گوناگون راعی به مفهوم سیاستمدار، مسئول، نگهبان، هادی و مراقب جامعه آمده است.

درمقابل، معنای استعاری این مفاهیم در سیر تاریخی خود دچار استحاله معنایی و زبان شناختی^{۳۸} گشته و چهره‌ای کاملاً منفی و غیر انسانی یافته است. بگونه‌ای که مثلاً نویسنده افغان فریاد برمی‌آورد: « تأکید بر نابرابری ذاتی میان فروستان و زبرستان که در رابطه شبان-رمه سنتی انعکاس یافته، از قرن‌ها بدینسو در کشور ما تداوم یافته و با آمدن ایدئولوژیهای مدرن شکل و شمایل جدیدی بخود گرفت.» (انصاری، ۱۳۹۳) درحالی که در نگرش حکمت سیاسی ما، گفتمان شبان-رمه در اصل نه تنها بیانگر چنین برداشتی انحرافی نبوده بلکه این گفتمان در تحلیل استعاری متوجه کارکرد حکومت در برابر جامعه است. این حقیقت در ادامه از منظر نظریه استعاره مفهومی مورد توجه قرار می‌گیرد.

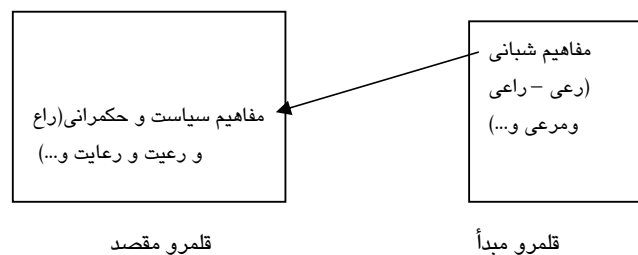
استعاره محور نظریه استعاری شناختی لیکاف و جانسون است. استعاره در رویکرد کلاسیک آرایه‌ای ادبی بود و گونه ای انحراف از تفکر متعارف پنداشته می‌شد، اما زبان شناسی شناختی^{۳۹} با ایجاد تحول در مطالعات استعاره، آن را به پدیده‌ای مهم بدل کرد که به بخش قابل توجهی از تفکر و زبان روزمره شکل می‌دهد. (ویسی حصار و توانگر، ۱۳۹۳: ۱۹۹) در تحلیل استعاری مورد نظر لیکاف و جانسون استعاره مفهومی در اصل «فهم و تجربه»

چیزی در اصطلاحات و عبارات چیز دیگر است، (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۵) بطوری که افراد با استفاده از یک قلمرو ذهنی به نام قلمرو مبدأ^۱، حوزه ذهنی دیگری را به نام قلمرو مقصد^۱، درک می‌کند. (Lakoff & Johnson, 2003:5, Lakoff, 2006:185) لیکاف و جانسون اساس این رابطه را که به شکل تناظرهایی میان دو مجموعه صورت می‌گیرد نگاشت^۲ می‌نامند. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۵) آنها مجموعه دارای مفهوم عینی تر و متعارف را قلمرو مبدأ و مجموعه دارای معنای انتزاعی را، قلمرو مقصد می‌نامند. (تصویر ۱):



نمودار ۱: نگاشت ساده استعاره

بر این اساس در تحلیل حدیث نبوی درمی‌یابیم که مفاهیم شبانی، قلمرو منبع و مفاهیم سیاست و حکمرانی، قلمرو مقصد را تشکیل می‌دهند. (تصویر ۲):



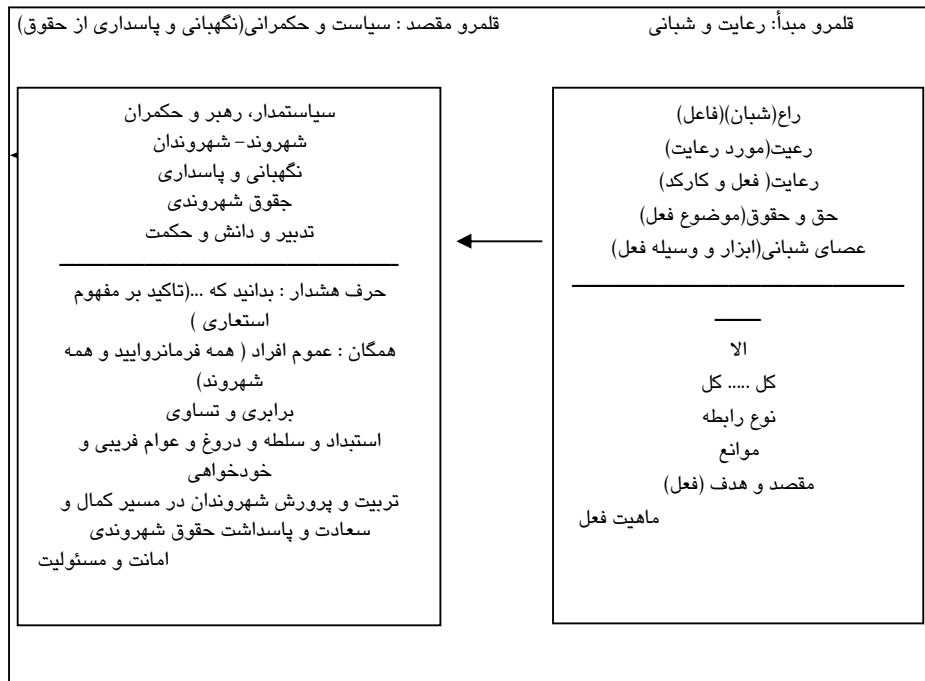
نمودار ۲: نگاشت ساده استعاره راع و رعیت

از آنجایی که در نگاه لیکاف هر نگاشت مفهومی مجموعه‌ای از تناظرهای مفهومی - و نه

تنها از گزاره‌ها و عبارات - شکل می‌گیرد، لذا اساس نه خود واژه‌ها که روابط میان آنها حائز اهمیت می‌باشد. مثلاً در حدیث نبوی مورد بررسی روابط میان مفاهیم مبدأ و مقصد استعاره را می‌سازد. در نتیجه به تعبیر لیکاف کار مفاهیم و واژه‌ها برانگیختن ذهن ما به برقراری ارتباط میان مفاهیم دو مجموعه هست. (Lakoff, ۱۹۹۳: ۱۸۶)

در جدول زیر روابط مفاهیم استعاره حدیث نبوی بر مبنای نگاشت استعاره مورد نظر لیکاف بیان می‌شود.

جدول نگاشت: «الاکلکم راع و کلکم مسئول...»:



معنای مفهومی استعاره مفاهیم مورد بحث در فرهنگ ما نیز مورد توجه قرار گرفته است. بعنوان مثال راغب اصفهانی با وضوح و صراحت تام در سده‌ها قبل در خصوص وضع واژه "الرعی" و "الرعاء" می‌نویسد: «و جعل الرعی والرعاء لل حفظ و السياسة» (راغب، ۱۴۰۴: ۱۹۸) یعنی

در اصل واژه های رعی و رعاء برای نگرهبانی و سیاست (السیاسة) وضع شده است. «این بیان به صراحت از جعل مفهوم برای معنای سیاست در نگرشی استعاری سخن می گوید. طبیعی است با توجه به کاربرد مفاهیم در آغاز در قلمور منبع، این جعل و وضع استعاری و انتزاعی ذات و نه جعل اولیه و مادی. هرچند به تعبیر طباطبایی در تفسیر المیزان «انس و عادت باعث می- شود که ذهن آدمی در هنگام شنیدن یک کلمه، و یا یک جمله، به معنای مادی آن سبقت جوید...» (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۶)

راغب پس از آن برای اثبات ادعای خود، به سخن خدای حکیم در قران استناد می جوید که می فرماید: «فما رعوها حق رعایتها» (حدید: ۳۷) و توضیح می دهد که معنایش چنین است: «ای ما حافظوا علیها حق المحافظة» (راغب ۱۴۰۴: ۱۹۸) یعنی آن را آن گونه که شایسته حراست و نگرهبانی بود حراست و نگرهبانی نکردند. در قاموس نهج البلاغه هم رعی به معنای حکومت و سیاست است: «الرعی (ایضا الحکومة و السياسة...)» (الشرقی، ۱۳۶۶: ۱۷۶۲) نویسنده لسان العرب نیز، رعایت را سیاست دانسته و قائل است که رعایت حرفه و شغل راعی است و مورد سیاست، همان مورد رعایت است: «رعایت: حرفه و شغل راعی، و مورد سیاست (مسوس): مورد رعایت است» (ابن منظور، ۳۲۶/۱۴) ^{۴۳} وی همچنین راعی را مترادف با والی یا رهبر و رعیت را عموم مردم می داند: «الرعی: الوالی والرعیة: العامة» (ابن منظور، ۳۲۷/۱۴) و در نتیجه: الوالی یرعی رعیتهم إذا ساسهم و حفظهم. (ازهری، ۵۱۴۲۱: ۳ / ۱۰۳) و نیز: و کلُّ مَنْ وَكَلَّ أَمْرَ قَوْمٍ فَهُوَ رَاعِيهِمْ وَ هُمْ رَعِيَّتُهُ: فَعِيلَةٌ بِمَعْنَى مَفْعُولٍ. (ابن سیده، ۵۱۴۲۱: ۲۳۸/۲) و نیز: «و الوالی یسوس رعیتهم» (ابن سیده، ۵۱۴۲۱: ۹۱/۱۳)

در همین ارتباط ابن منظور می نویسد: «وهرکس که سرپرستی هر قومی را برعهده گرفت راعی آنان است و آنها رعیت اویند. (ابن منظور، ۳۲۷/۱۴) طریحی نیز می نویسد: «و راعی، والی و سیاستمدار است، و رعیت غیراوست.» (طریحی، ۱۹۱/۱) محیط المحيط نیز در مورد کاربرد راعی در اصطلاح سیاسی با دقتی خاص اشاره دارد: «و فی الاصطلاح هو المتحقق فی معرفة الامور السياسية المتعلقة بالمدنیة المتمکن علی تدبیر النظام الموجب لصلاح العالم.» (البستانی، ۱۹۹۸: ۳۴۱) چنین بیانی بوضوح نشان از کاربرد استعاری واژه رعایت برای سیاست صحیح و انسانی است. این نگرش استعاری ما را به این امر رهنمون می سازد که راعی در جامعه به مثابه دیدبان جامعه است و این امر از عنصر تأمل و دقت نظر و خدمتگزاری مندرج

در معنای استعارای رعایت مستفاد می‌گردد. ابن منظور می‌گوید: «گفته شده است که راعی چشم یعنی دیده بان قوم در برابر دشمن است.» (ابن منظور؛ ۳۲۹/۱۴) در مصباح المنیر نیز گوید: «از این نظر به حکمران و امیر راع اطلاق شده که او مسئولیت تدبیر امور مردم و سیاست آنها را پذیرفته است.» (فیومی، ۵۱۴۱۴: ۱/ ۲۳۱)

بعلاوه، نکته دیگری که بر معنای استعارای مفهوم راع در این حدیث دلالت دارد این است که در نقطه مقابل معنای سیاسی راعی (سیاستمدار) واژه رعیت-ونه مرعی^۴ - بکار رفته است. بر این اساس، رعیت مجموعه شهروندان اعم از امت، ملت یا هر گروه انسانی است که تحت نگرهبانی و رهبری قرار می‌گیرد. همانگونه که در برخی از فرهنگها نیز به همین معنی آمده: «رَعِيَّةٌ... اهالی، تبعه، رعایا، شهروند، همشهری.» (آذرنوش، ۱۳۷۹: ۲۴۰) در متون دینی ما بهترین تعبیر معادل با شهروندی «رعیت» است و در مقابل از حاکم و مسئولین به عنوان «راعی» یاد شده است و در اندیشه اسلامی بین این دو همواره رابطه ای دو سویه و متقابل برقرار بوده است. (بجنوردی و مهریزی ثانی، ۱۳۹۲: ۴)

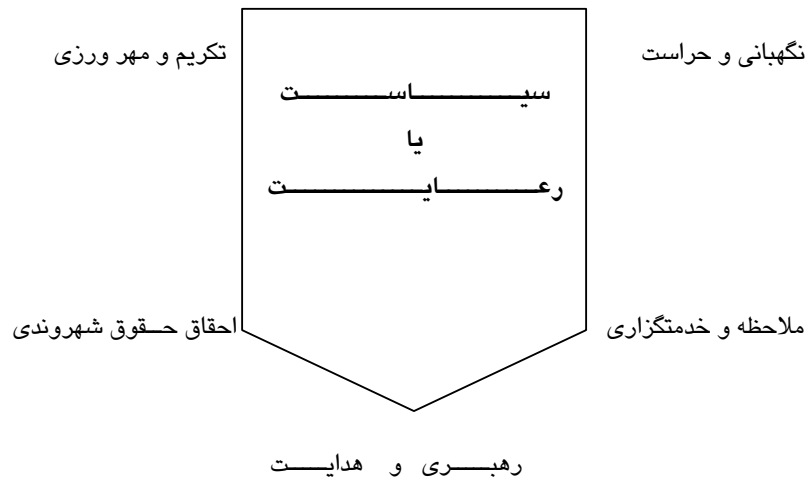
پس، بر اساس آنچه گذشت، مفهوم راع در حثیث نوبی معنای استعارای دارد و بیانگر رابطه سیاسی است و طبیعی است در نگاه پیامبر(ص) سیاست، اداره و تدبیر صرف امور عمومی نیست بلکه مهمتر از آن بعد ارزشی آن است که در مفهوم رعایت به معنای نگرهبانی نهفته است. لذا هر حکومتی که با استبداد و ستم همراه باشد رعایت نیست و هر حکمرانی که در خدمت رعیت نباشد، در واقع راع یا شبان نیست. این موضوع یعنی ادراک معنای استعارای مفهوم راع در ادبیات اصیل ما از آنچنان جایگاهی برخوردار است که حتی در رابطه میان شبان و گوسفندان نیز شبان در خدمت گوسفندان است نه برعکس. به تعبیر سعدی شیرازی در گلستان که بیانگر فرهنگ عمومی عصر اوست:

پادشه پاسبان درویش است گرچه رامش به فر دولت اوست
گوسفند از برای چوپان نیست بلکه چوپان برای خدمت اوست

(سعدی، بی تا: ۱۲۳)

و دهخدا می‌نویسد: «چوپان خائن، گرگ است.» (دهخدا، ۱۳۸۳: چوپان) مرتضی مطهری نیز با اشاره به نهج البلاغه می‌نویسد: «در منطق این کتاب شریف، امام و حکمران، امین و پاسبان حقوق مردم و مسؤول در برابر آنهاست؛ از ایندو (حکمران و مردم) اگر بناست یکی برای

دیگری باشد، این حکمران است که برای توده محکوم است نه توده محکوم برای حکمران» (مطهری، ۱۳۸۹: ۴۴۹/۱۶)
 از این رو رعایت نوعی رابطه سیاسی انسانی است. (نمودار زیر) (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۵۱):



در تبیین استعاری^{۵۰} اجزای حدیث می توان گفت که الا^{۵۱} به لحاظ لغوی، می تواند حرف تنبیه، توبیخ و انکار، تمنی... و طلب باشد. (طریحی: ۳۳/۱، ابن منظور: ۵۳۴/۱۴، دهخدا، واژه الا) اما به لحاظ معنا شناختی نشانه هشدار یا تنبه و بیدارباش است که توجه به نوع رابطه مفاهیم و واژه های بعدی دارد یعنی بدانید و آگاه باشید که منظور ما تاکید بر رابطه استعاره میان مفاهیم است نه معنای لغوی آنها. همچنین، کَلِّمٌ، به لحاظ معنا شناختی، نشانه عمومیت و استغراق و احاطه و شمول است (المحیط: ۶/ ۱۴۲، ابن منظور، ۵۹۱/۱۱) در جائی که مدخول آن نکره باشد. چنانکه: کل نفس ذائقة الموت (آل عمران: ۱۸۵ و انبیا: ۳۵) و یا مدخول معرفه و جمع باشد چنانکه در «کلهم آتیه» (دهخدا، واژه کل) بدین معنا که مخاطب آن عموم و بلکه اعم العام است یعنی همگان یا هرکس که این حدیث را می شنود یا این بیان بدو می رسد که در وهله اول همه پیروان آن حضرت و در گام بالاتر و در عرصه جامعه جهانی همه جهانیان را در برمی گیرد و هیچ

استثنایی را نمی پذیرد. همچنین باید دانست که: مذکرومونت در وی یکسان است. (دهخدا: کل) و در نتیجه، بر همه افراد شنونده بدون هیچ استثنایی دلالت می کند. بدین معنا که با توجه به جمعی و مدنی بودن مسئولیت و مشارکت در سرنوشت جمعی، هر انسان مدنی و دارای حیات جمعی را در برمی گیرد. بعلاوه هیچ قرینه ای در کار نیست که پیامبر(ص) این بیان را خطاب به گروهی خاص یا افرادی خاص مطرح کرده باشد. پس در عمومیت آن هم به لحاظ مضمون و محتوای حدیث و هم به لحاظ استناد و شأن نزول تردیدی نیست. کاربرد این واژه بیانگر همگانی بودن رعایت و در نتیجه نگرهبانی و مسئولیت در عرصه سیاست است.

بر همین مبنا، «کلکم راع...» نشانه و دال بر این است که همگان به دلیل انسان بودنشان از سوی «راع» یعنی مسئول و نگرهبان یکدیگرند و از دیگر سوی «رعیت» اند یعنی انسان باهوش انسان هم طبعاً دارای نوعی نفوذ و ولایت و لذا مسئولیت مشارکت در امور مشترک جمعی نسبت به دیگران است و هم نوعی نفوذپذیری. زیرا بادیگران دارای دارای سرنوشت مشترک است و همه در برخورداری از این سرنوشت مشترک باهم برابرند. پس این بیان به صراحت بر برابری نوع بشر در عرصه سیاست و در حقوق شهروندی صحه میگذارد.

به تعبیر شهید صدر: «این حقی است عمومی که همه باید به یکسان از آن استفاده کنند.» (صدر، ۱۳۵۰: ۵۰) براین اساس در نظام حقوقی اسلام، شهروندی، موقعیتی است که عرب و عجم به طور یکسان در مقابل حاکم خود دارند و در عین اینکه دارای حقوقی هستند ملزم به انجام وظایفی نیز میباشند. (بجنوردی و مهریزی ثانی، ۱۳۹۲: ۴) پس بیان پیامبر نیز مؤید و بیانگر حقوق شهروندی و مشارکت سیاسی برابر بر مبنای عدالت سیاسی است، زیرا رعایت همان ولایت و راعی، فرمانرواست. همانگونه که آمده است: راعی قوم کسی است که بر آن قوم دارای ولایت است.» (مجلسی، ۵۱۴۰۴: ۸/۳۴) پس راعی همان ولی است. این ولایت عمومی بیانگر نفی ولایت خصوصی انسان ها نسبت به یکدیگر و موید اصل «الولاية لاحد علی احد» (منتظری، ۱۳۶۷: ۱/۱۱۱) است و ولایت خاص نیز یا از ناحیه خدا بر انسان است مانند ولایت پیامبران و امامان معصوم یا از ناحیه خودشان مانند مردم سالاری.

بر همین اساس به زعم نویسنده احادیث دوم و سوم بیانگر مصادیق راع است و بیانگر انحصار نیست و آن حضرت برای روشن ساختن موضوع برای افراد زمان خویش و اکمال بحث این مصادیق یا نمونه ها را آورده است، اما عمومیت سخن در بیان حضرتش کاملاً روشن

است.

بعلاوه اینکه پیامبر رحمت (ص) رعایت رابا عنصر اصلی معنایی آن یعنی مسئولیت پیوند می دهد. موید تبیین استعاره مفهومی و ساختاری آنست که حاصل آن اینست که راع بودن مترادف بامسئول بودن است و رعیت مترادف با مورد مسئولیت است. مسئولیت بدین معنا مصادیق و معیارهای گوناگونی دارد. این موضوع مورد توجه اغلب اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است. برای مثال امام خمینی با اشاره به حدیث مورد بررسی، اهمیت مسئولیت همگانی را بدینسان مطرح می سازد:

« الان مکلفیم ما، مسؤولیم همه مان، همه مان مسؤولیم، نه مسؤول برای کار خودمان، مسؤول کارهای دیگران هم هستیم «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت» همه باید نسبت به همه رعایت بکنند...مسئولیت من هم گردن شماست؛ شما هم گردن من است. اگر من پایم را کج گذاشتم شما مسؤولید اگر نگوئید چرا پایت را کج گذاشتی؟ باید هجوم کنید بایندهی کنید که چرا؟...» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۸۷/۸)

در اینجا مفهوم رعیت نیز نه تنها بیانگر معنایی منفی - برخلاف تصور رایج - نیست بلکه دارای معنایی استعاره و مبتنی بر ادراک رابطه آن با رعایت و مسئولیت است. لذا بویژه در زبان فارسی کاربرد آن منحصر به انسانهای آزاد (شهروندان) شده است. بر همین اساس همه فرهنگها این واژه را به معنای مردم، تبعه، شهروندان و... معنا کرده اند. از چنین دیدی دو طرف رابطه (هر دو) «راعی» و «رعیت» هستند. به عنوان مثال رابطه همسری در دیدگاه رسول الله (ص) یک رابطه دو طرفه «رعایت» است و هر دو طرف (زوج و زوجه) راع (نگهبان) و هر دو مورد رعایت هستند و لذا هر دو برابر یکدیگر مسئولند. بنابراین نمی توان تصور کرد که کاربرد واژه «راع» و «راعی» در اینجا به مفهوم قیمومت و یا سلطه محض و یا یک طرفه است.

پس بر مبنای تحلیل شناخت شناسی استعاره راع آنست که به رعایت مردم و احقاق حقوق آنها (حقوق شهروندی) بیندیشد. یعنی پاسدار شئون و حقوق و مصالح آنان و تنها و تنها خدمتگزار آنان باشد. در غیر این صورت راع نخواهد بود بلکه مسلطی مستبد خواهد بود که نه مفهوم حکمرانی را درمی یابد و نه حقیقتاً راع است. بیان پیامبر (ص) که می فرماید: «هر زمانمداری که سرپرستی چیزی از امور امت مرا بدست گیرد و در کار آنها مثل کارهای خصوصی خودش دلسوزی و کوشش نکند، خداوند متعال در روز ستاخیز او را وارونه در آتش اندازد.»^{۴۷} (راهنمای

انسانیت، ۱۳۷۷: ۳۴۳). نیز موید چنین تحلیلی است. براین مبنا، به بیان علامه نائینی: «متصدیان امور همگی امین نوعند، نه مالک و مخدوم، و مانند سایر اعضا و اجزا در قیام به وظیفه امانت داری خود مسؤول ملت و به اندک تجاوز مأخوذ خواهند بود.» (نائینی، ۱۳۷۸: ۳۴)

و به بیان شهید صدر: «حکومت در دولت اسلامی عبارتست از رعایت و حفظ شؤون امت بر اساس شریعت اسلامی و به همین جهت بارها بر حکمران (فرمانروا) اسم «راعی» و بر فرمانبرداران (مردم) نام «رعیت» اطلاق شده است.» (صدر، ۱۹۸۹م. - ۱۴۱۰ق، رقم ۶) لذا رعایت همان «تدبیر مدن و آیین کشورداری است» (حانری یزدی، ۱۹۹۵: ۵۶) که شعبه ای از حکمت عملی می باشد که به «تمشیت صمیمانه امور داخلی و خارجی شهروندان» (حانری یزدی، ۱۹۹۵: ۵۷) می پردازد و «از نهاد حکم و علم تصدیقی به حقایق اشیاء ریشه می گیرد.» (حانری یزدی، ۱۹۹۵: ۵۷)

۷. نتیجه گیری

با توجه به تحلیل حدیث نبوی بر مبنای نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون نتایج زیر استنباط می گردد:

- ۱- کاربرد مفاهیم راع و رعیت در متن حدیث و نیز کل گزاره مورد بررسی (متن حدیث) بیانگر وجود استعاره مفهومی است که بر اساس آن هدف بیان رابطه و پیوستگی میان مفاهیم و ارائه یک گفتمان مورد نظر است که گفتمان شبانی (راع - رعیت) نامیده می شود.
- ۲- با توجه به پرسش نوشتار که چپستی مفهوم راع و رعیت را از منظر نظریه استعاره مفهومی مورد توجه قرار می دهد دریافتیم که محور گفتمان یا رابطه راع و رعیت را عنصر رعایت به مفهوم نگهبانی و پاسداری تشکیل می دهد. بدین معنا، در دیدگاه پیامبر (ص)، پذیرش هر گونه تعهد یا مسئولیتی نسبت به دیگران یا برعهده گرفتن انجام هرگونه کاری در ارتباط با سرنوشت مشترک بادیگران، به معنای «راع بودن» در برابر آنان است. براین اساس و با توجه به نگرش استعاره مفهومی حقیقت رعایت، از عناصر آگاهی، امانتداری، تدبیر و خدمت تشکیل می شود. لذا سیاست در این نگاه بیانگر نوعی جهت گیری مدبرانه و مبتنی بر عدل در جهت احقاق حقوق است و ماهیت آن، عبارت است از کنش مدبرانه و آگاهانه مبتنی بر عدالت و همراه با تأمل در جهت احقاق حقوق و تأمین شؤون و مصالح امت که به پاسداشت و تکریم و شکوفایی آن

منجر گردد. حکومت و نهادهای حکومتی نیز ابزار وسیله ای در جهت تحقق گفتمان رعایت هستند.

۳- بر مبنای تحلیل مورد نظر، هر گونه فرمانروایی جمعی و عمومی نوعی رابطه دو جانبه تدبیری یارعايت است که همه الزامات تمام روابط دو جانبه دیگر را دارد. در نتیجه حاکمان و رهبران جامعه با توجه به مسئولیتشان در برابر مردم، پاسدار و نگهبان حقوق مردم یعنی حقوق شهروندی هستند.

۴- همچنین در پاسخ چيستی مفاهيم مورد نظر در عرصه سياست و حکومت دريافتيم که در گفتمان رعایت، حکومت و حکمرانی امانت و سپرده محسوب می‌گردد و لذا انسان باید نسبت به آن امین باشد و این به معنای تحقق مسئولیت مربوط به آن است. زیرا هر امانتی از سوی امانت دهنده مورد سوال قرار می‌گیرد. پیامبر (ص) با چنین بیان مؤکدی قصد دارد با جعل استعاری رعایت برای حکمرانی و حکومت و برابردانستن این دو، معنای حقیقی حکمرانی را بیان نماید. بنابراین، در این گفتمان، شبانی انسانی یا حکمرانی شأنی است که درخور هر کسی نیست و افراد لایق خویش را می‌طلبد. در نتیجه، حکومت صرفاً برای تحقق آرمانها و مسئولیتها شکل می‌گیرد و در واقع رکن کارکردی دولت است. بنابراین در دیدگاه پیامبر (ص) حکمرانی فرمان دادن و فرمان بردن صرف نیست بلکه «پذیرش مسئولیت» و «احقاق حقوق شهروندی» بر مبنای شؤن رعیت (شهروندان) و تأمین «مصلح عمومی» است.

۵- بر اساس این تحلیل استعاری درمی‌یابیم که گفتمان شبانی (راع - رعیت) گفتمان استعاری ساختاری است که نافی گفتمان سلطه و نیاز بوده و به معنای گفتمان خدمتگزاری پاسخگو و قابل استیضاح - به معنای عام - است و نیز نقطه مقابل گفتمان استبدادی می‌باشد. در نتیجه چنین بیان استعاری در لسان رسول الله (ص) با هدف تحقق حقوق شهروندی برای همگان مطرح شده است.

۶- از ۱۴ روایتی که در اینجا آمد، دو روایت اول بیانگر گفتمان خاص شبانی عمومی مورد نظر پیامبر (ص) است که در این مقاله مورد تحلیل استعاری مفهومی قرار گرفت. شش روایت بعدی به ویژگیهای اساسی راع در برابر مردم توجه دارد که بنوعی بازتاب حقیقی معنای استعاری مفاهیم و متن حدیث مورد نظر است. دو حدیث بعدی به نمونه های مطلوب و نامطلوب راع در چنین گفتمانی اشاره دارد و چهار متن پایانی در جهت تحکیم گفتمان شبانی

انسانی به طرح واژه رعیت در برابر والی عنایت دارد و تایید کننده تحلیل ما در این نوشتار می باشد. بعلاوه چهار روایت پایانی مورد بحث، ارتباط دقیق و تنگاتنگ حقوق شهروندی را با رعایت (حکمرانی و حکومت) مورد توجه قرار می دهند.

۸. پی نوشتها

1. Isaiah Berlin

۲. معنا امری بسیار گسترده است که می تواند از کنش تا شوش و سپس از شوش تا بُوش در نوسان باشد. (ر.ک: شعیری، ۱۳۹۵: صص ۵- و) البته می توان از دو گونه نوسان و گستردگی طولی - تحول طولی معنای واژه - و نوسان عرضی - تحول عرضی یا تقابلی معنای واژه - سخن گفت. آنچه در این نوشتار مورد نظر است تحول عرضی معنای واژه های راع و رعیت در جهت رسیدن به گفتمان معنایی مغایر واضح گفتمان نوسان طولی است.

3. Ra'iyat

4. Raa'

۵. این الگو به دوگونه مطرح شده است. الگوی منفی که در آن بقای گله مبتنی بر وجود چوپان است و الگوی مثبت که هدف آن حفظ و تدبیر رعیت (فولادوند، ۱۳۷۷: ۷۸-۷۹) است.

۶. نظام ارباب رعیتی به نظامی اجتماعی گفته می شود که در آن، فرد یا طبقه خاصی از قدرت اقتصادی و سیاسی مطلق برخوردار بوده و توده ای مردم خدمتگزار این فرد یا طبقه به شمار می آمدند، مانند آنچه در حکومت های فئودالی وجود داشته است. در حکومت های فئودالی اروپایی «ارباب بزرگ یا پادشاه در بالای سلسله مراتب اجتماعی و اقتصادی از دور بر واسالها و سرفها در پایین سلسله مراتب کنترل غیر مستقیم اعمال می کرد.» (علیزاده، ۱۳۷۷: ۱۲۴)

7. Metaphorical cognitive semantics

8. Metaphorical

9. Citizenship rights

10. Analytical

11. Conceptual metaphor

12. George Lakoff

13. Mark Johnson

14. Semantic

15. meaning

16. Contemporary Theory of Metaphor

17. Structural metaphors

18. Robbins.

19. Metaphorical semantic

۲۰. در برخی اسناد این عبارت با واژه الا به معنای هشدار و آگاه باشید (حرف تنبیه) شروع می شود ولی در برخی اسناد واژه الا را ندارد.

۲۱. در برخی از اسناد در اینجا واژه امام(پیشوا یا فرمانروا) آمده است و در برخی دیگر امیر(فرمانده یا فرمانروا).

۲۲. این دو روایت دارای مضمون واحدی است و از انجایی که روایت اول در اصل بخشی از دومی است و با توجه به اسناد و راوی، ظاهراً باید یک روایت باشد با اسناد و نقل های کم و بیش متفاوت. جدول زیر نمونه اسناد روایت را در متون اهل سنت نشان می دهد. همانطور که دیده می شود. راوی عبدالله بن عمر از صحابه است. لذا گاه در صحت و اعتبار روایت تردید شده است، اما از انجایی که اولاً روایت بیانگر یک حقیقت عقلی و معرفتی است و از سوی دیگر با نصوص و حقایق دینی تعارضی ندارد و از شهرت برخوردار است و اغلب عالمان و محدثان شیعه نیز آن را در آثار خویش آورده اند. نیز این گونه احادیث با آیات کتاب خدا در مورد حکومت و فرمانروایی و امانت دانستن آن نظیر آیه ۷۲ سوره احزاب نیز انطباق و هماهنگی دارد. به علاوه عقل و خرد سلیم انسانی نیز بر صحت و صادق بودن این گونه روایات انگشت تأیید می گذارد؛ زیرا نه تنها تعارضی با احکام عقل ندارند بلکه مؤید فرامین عقلی در مورد نگاه به سیاست، حکومت و اداره امور عمومی است. لذا احتمال جعلی بودن آن ضعیف است و نمی توان با توجه به راوی و دگرگونی احوال او یا قرار گرفت وی در چارچوب نگرش خلافت تمام روایت هایش و من جمله این روایت را جعلی دانست و آن را از مشهورات بدون اصل (<http://www.andalibonline.com/static-184.html>) شمرد مگر اینکه قرینه محکمی بر عدم صحت و اعتبار آن پیدا شود.

جدول تخریج الحدیث:

ردیف	طرف الحدیث	الصحابی	اسم الكتاب	أفق	العزو	المصنف
1	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعیتہ الأمير راع الرجل راع علی أهل بیته المرأة راعیة علی بیت زوجها وولده	عبد الله بن عمر	صحیح البخاری	4828	5200	محمد بن إسماعیل البخاری
2	كلکم راع وكلکم مسئول الإمام راع وهو مسئول الرجل راع علی أهله وهو مسئول المرأة راعیة علی بیت زوجها وهي مسئولة العبد راع علی مال سیده وهو مسئول	عبد الله بن عمر	صحیح البخاری	4816	5188	محمد بن إسماعیل البخاری
3	كلکم راع ومسئول عن رعیتہ الإمام راع ومسئول عن رعیتہ الرجل فی أهله راع وهو مسئول عن	عبد الله بن عمر	صحیح البخاری	2384	2558	محمد بن إسماعیل

البخاری					رعيته المرأة في بيت زوجها راعية وهي مسئولة عن رعيته الخادم في مال سيده راع وهو مسئول عن رعيته
محمد بن إسماعيل البخاری	7138	6634	صحيح البخاری	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الإمام الذي على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عن رعيته المرأة راعية على أهل بيت زوجها وولده وهي مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته
محمد بن إسماعيل البخاری	2409	2244	صحيح البخاری	عبد الله بن عمر	كلكم راع ومسئول عن رعيته الإمام راع وهو مسئول عن رعيته الرجل في أهله راع وهو مسئول عن رعيته المرأة في بيت زوجها راعية وهي مسئولة عن رعيته الخادم في مال سيده راع وهو مسئول عن رعيته
محمد بن إسماعيل البخاری	2554	2381	صحيح البخاری	عبد الله بن عمر	كلكم راع فمسئول عن رعيته الأمير الذي على الناس راع وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم المرأة راعية على بيت بعلها وولده وهي مسئولة عنهم العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه ألا فكلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته
محمد بن إسماعيل البخاری	2751	2560	صحيح البخاری	عبد الله بن عمر	كلكم راع ومسئول عن رعيته الإمام راع ومسئول عن رعيته الرجل راع في أهله ومسئول عن رعيته المرأة في بيت زوجها راعية ومسئولة عن رعيته الخادم في مال سيده راع ومسئول عن رعيته الرجل راع في مال أبيه
محمد بن إسماعيل البخاری	893	850	صحيح البخاری	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الإمام راع ومسئول عن رعيته الرجل راع في أهله وهو مسئول عن رعيته المرأة راعية في بيت زوجها ومسئولة عن رعيته الخادم راع في مال سيده ومسئول عن رعيته
مسلم بن	1830	3414	صحيح مسلم	عبد الله بن	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذي على

الحجاج				عمر	الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم المرأة راعية على بيت بعلها وولده وهي مسئولة عنهم العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه
محمد بن عيسى الترمذى	1705	1625	جامع الترمذى	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع ومسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم المرأة راعية على بيت بعلها وهي مسئولة عنه العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه
أبو داود السجستانى	2928	2543	سنن أبى داود	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم المرأة راعية على بيت بعلها وولده وهي مسئولة عنهم العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه
أحمد بن حنبل	5867	5741	مسند أحمد بن حنبل	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير راع على رعيته وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه المرأة راعية على بيت زوجها ومسئولة عنه
أحمد بن حنبل	5145	5021	مسند أحمد بن حنبل	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم المرأة راعية على بيت بعلها وولده وهي مسئولة عنهم عبد الرجل راع على بيت سيده وهو مسئول عنه
أحمد بن حنبل	4481	4355	مسند أحمد بن حنبل	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول الأمير الذى على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول المرأة راعية على بيت زوجها وهي مسئولة العبد راع على مال سيده وهو مسئول
أحمد بن حنبل	5835	5709	مسند أحمد بن حنبل	عبد الله بن عمر	كل راع مسئول عن رعيته
أحمد بن حنبل	5990	5860	مسند أحمد بن حنبل	عبد الله بن عمر	كلكم راع ومسئول عن رعيته الإمام راع وهو

			حنبل	عمر	مسئول عن رعيته الرجل في أهله راع وهو مسئول عن رعيته المرأة في بيت زوجها راعية وهي مسئولة عن رعيتهما الخادم في مال سيده راع وهو مسئول عن رعيته
17	عبد الله بن عمر	صحيح ابن حبان	4582	4490	أبو حاتم بن حبان
18	عبد الله بن عمر	صحيح ابن حبان	4583	4491	أبو حاتم بن حبان
19	عبد الله بن عمر	صحيح ابن حبان	4581	4489	أبو حاتم بن حبان
20	عبد الله بن عمر	مستخرج أبي عوانة	5549	7031	أبو عوانة الإسفرائيني
21	عبد الله بن عمر	مستخرج أبي عوانة	5548	7030	أبو عوانة الإسفرائيني
22	عبد الله بن عمر	مستخرج أبي عوانة	5550	7032	أبو عوانة الإسفرائيني

					مال سيده ألا كلکم راع وكلکم مسئول	
أبو عوانة الإسفرائينى	7029	5547	مستخرج أبى عوانة	عبد الله بن عمر	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته	23
أبو عوانة الإسفرائينى	7033	5551	مستخرج أبى عوانة	عبد الله بن عمر	كلکم راع ومسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع ومسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته ومسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها وولده ومسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال الرجل ومسئول عنه	24
أبو عوانة الإسفرائينى	7027	5546	مستخرج أبى عوانة	عبد الله بن عمر	كلکم راع وكلکم مسئول الأمير راع وهو مسئول الرجل راع على أهله وهو مسئول المرأة راعية على بيت زوجها وهى مسئولة العبد راع على مال سيده وهو مسئول	25
أبو عوانة الإسفرائينى	7040	5558	مستخرج أبى عوانة	عبد الله بن عمر	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها وولده وهى مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه	26
أبو عوانة الإسفرائينى	7034	5552	مستخرج أبى عوانة	عبد الله بن عمر	الأمير مسئول عن رعيته قام بأمر الله فيهم أو ضيع الرجل راع على أهل بيته ومسئول عنهم المرأة راعية على بيتها وما وليت من أمر زوجها ومسئولة عنه العبد راع على مال سيده ومسئول عنه ألا وكلکم راع وكلکم مسئول	27
أبو عوانة الإسفرائينى	7041	5559	مستخرج أبى عوانة	عبد الله بن عمر	كل مسترعى مسئول عما استرعى حتى إن الرجل يسأل عن زوجته وولده وعبد	28
أبو عوانة الإسفرائينى	7039	5557	مستخرج أبى عوانة	عبد الله بن عمر	كلکم راع ومسئول عن رعيته الإمام راع وهو مسئول عن رعيته الرجل فى أهله راع وهو مسئول عن رعيته المرأة فى بيت زوجها راعية وهى مسئولة عن رعيته الخادم فى مال سيده راع وهو مسئول عن رعيته	29
أبو عوانة الإسفرائينى	7035	5553	مستخرج أبى عوانة	عبد الله بن عمر	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته الإمام الذى على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على	30

					أهله مسئول عن رعيته المرأة راعية في بيت زوجها وهي مسئولة عنه	
31	كلكم راع وكلكم مسئول فالرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم والأمير راع على الناس وهو مسئول عنهم ألا فكلكم راع وكلكم مسئول	عبد الله بن عمر	مختصر الأحكام المستخرج على جامع الترمذى	1323	---	الطوسى
32	كل راع مسئول عن رعيته الإمام راع ومسئول عن رعيته	عبد الله بن عمر	السنن الكبرى للنسائي	8557	8823	النسائي
33	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم إن الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم إن المرأة راعية على بيت زوجها وهي مسئولة عنهم العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه	عبد الله بن عمر	المنتقى من السنن المسندة	1080	1066	ابن الجارود النيسابورى
34	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير راع عن الناس وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عن رعيته امرأة الرجل راعية على بيت بعلها وولده وهي مسئولة عن بعلها ورعيته العبد راع عن مال سيده وهو مسئول عن رعيته	عبد الله بن عمر	السنن الكبرى للبيهقى	15298	8 : 160	البيهقى
35	كلكم راع ومسئول عن رعيته الإمام راع وهو مسئول عن رعيته الرجل فى أهله راع وهو مسئول عن رعيته المرأة فى بيت زوجها راعية وهي مسئولة عن رعيته الخادم فى مال سيده راع وهو مسئول عن رعيته	عبد الله بن عمر	السنن الكبرى للبيهقى	11754	6 : 287	البيهقى
36	كلكم راع وكلكم مسئول الأمير راع على الناس وهو مسئول الرجل راع على أهله وهو مسئول المرأة راعية على بيت زوجها وهي مسئولة العبد راع على مال سيده وهو مسئول	عبد الله بن عمر	السنن الكبرى للبيهقى	13620	7 : 291	البيهقى
37	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم المرأة راعية على بيت	عبد الله بن عمر	معرفة السنن والآثار للبيهقى	4693	5329	البيهقى

					بعلها وولده وهى مسئولة عنه العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه	
38	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهله وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على مال زوجها وهى مسئولة عنه عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه	عبد الله بن عمر	موطأ مالك برواية محمد بن الحسن الشيباني	872	991	مالك بن أنس
39	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها وولدها وهى مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عن رعيته	عبد الله بن عمر	موطأ مالك برواية أبي مصعب الزهري	1192	2121	مالك بن أنس
40	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم المرأة راعية على بيت زوجها وهى مسئولة المملوك راع على مال سيده وهو مسئول عنه	عبد الله بن عمر	البحر الزخار بمسند البزار ١٠-١٣	1342	5676	أبو بكر البزار
41	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته	عبد الله بن عمر	البحر الزخار بمسند البزار ١٠-١٣	1343	5680	أبو بكر البزار
42	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الإمام راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع فى بيته وهو مسئول عن رعيته المرأة راعية فى بيتها وهى مسئولة عن رعيته العبد فى مال سيده وهو مسئول عن رعيته	عبد الله بن عمر	البحر الزخار بمسند البزار ١٠-١٣	1135	5377	أبو بكر البزار
43	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع عليهم ومسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته ومسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها وولده ومسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده ومسئول عنه ألا فكلكم راع وكلكم مسئول	عبد الله بن عمر	مسند أبي يعلى الموصلى	5784	5831	أبو يعلى الموصلى

44	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته الأمير الذي على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عن رعيته امرأة الرجل راعية على بيت بعلها وولدها وهي مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه	عبد الله بن عمر	مسند الشاميين للطبراني	2884	2951	سليمان بن أحمد الطبراني
45	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته الأمير الذي على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت بعلها وهي مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه	عبد الله بن عمر	مسند الموطأ للجوهري	353	488	الحسن بن علي الجوهري
46	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته الرجل على أهل بيته المرأة على بيتها العبد على مال سيده الإمام راع على الناس كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته	عبد الله بن عمر	مسند عبد بن حميد	753	745	عبد بن حميد
47	كلکم راع ومسئول عن رعيته الإمام الذي على الناس راع ومسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته ومسئول عنهم المرأة راعية على مال زوجها العبد راع على مال سيده ومسئول عنه	عبد الله بن عمر	الجامع لمعمر بن راشد	1256	20649	معمر بن راشد الأزدي
48	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته	عبد الله بن عمر	المعجم الأوسط للطبراني	4387	4255	سليمان بن أحمد الطبراني
49	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته	عبد الله بن عمر	المعجم الأوسط للطبراني	7059	6880	سليمان بن أحمد الطبراني
50	كل راع مسئول عن رعيته	عبد الله بن عمر	المعجم الكبير للطبراني	13115	13284	سليمان بن أحمد الطبراني
51	كل مسترعى مسئول عما استرعى حتى إن الرجل ليسأل عن زوجه وعبد وولده	عبد الله بن عمر	المعجم الكبير للطبراني	13117	13286	سليمان بن أحمد الطبراني
52	الرجل ليحاسب يوم القيامة حتى يسأل عن ولده وزوجه	عبد الله بن عمر	مشيخة ابن طهمان	186	188	إبراهيم بن طهمان
53	كلکم راع وكلکم مسئول	عبد الله بن عمر	معجم أبي يعلى الموصلي	107	108	أبو يعلى الموصلي

54	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته	عبد الله بن عمر الأعرابي	معجم ابن الأعرابي	151	147	ابن الأعرابي
55	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته الإمام راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهله وهو مسئول عنهم المرأة راعية فى ما وليت من مال زوجها وهى مسئولة عنه العبد راع على ما ولى من مال سيده وهو مسئول عنه	عبد الله بن عمر	معجم ابن المقرئ	48	50	أبو بكر بن المقرئ
56	أمير الناس راع عليهم ومسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته ومسئول عنهم المرأة راعية على بيت زوجها وولده ومسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه ألا كلکم راع ومسئول عن رعيته	عبد الله بن عمر	معجم ابن المقرئ	375	393	أبو بكر بن المقرئ
57	كلکم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت بعلها وولدها وهى مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه	عبد الله بن عمر	العمدة من الفوائد والآثار الصحاح فى مشيخة شهدة	17	17	شهدة بنت أحمد بن الفرج الدينورى
58	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها وولدها وهى مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه	عبد الله بن عمر	أحاديث عن شيوخ أبى محمد البعلبكي	47	---	عبد القادر بن على بن محمد البعلبكي
59	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم المرأة راعية على بيت بعلها وولده وهى مسئولة عنهم العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه	عبد الله بن عمر	مشيخة البيانى	23	1 : 62	ابن رافع السلامى
60	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت بعلمها وولده وهى مسئولة عنهم العبد راع على	عبد الله بن عمر	معجم شيوخ الابرقوهى	132	---	أحمد بن إسحاق بن محمد الأبرقوهى

					مال سیده وهو مسئول عنه	
ابن الجوزی	---	68	مشيخة ابن الجوزی	عبد الله بن عمر	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته الأمير الذي على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها وولدها وهي مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سیده وهو مسئول عنه	61
شمس الدين الذهبي	---	731	معجم الشيوخ الكبير للذهبي	عبد الله بن عمر	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته الأمير الذي على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت بعلها وولده وهي مسئولة عنهم العبد راع على مال سیده وهو مسئول عنه	62
السبكي	---	350	معجم الشيوخ لتاج الدين السبكي	عبد الله بن عمر	كلکم راع ومسئول عن رعيته فالأمير الذي على الناس راع ومسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم المرأة راعية على بيت بعلها وهي مسئولة عنه العبد راع على مال سیده وهو مسئول عنه	63
إسماعيل بن جعفر	30	30	حديث إسماعيل بن جعفر	عبد الله بن عمر	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته الأمير الذي على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها وولده وهي مسئولة عنه عبد الرجل راع على مال سیده وهو مسئول عنه	64
أبو جهم البغدادي	35	35	جزء أبي جهم البغدادي	عبد الله بن عمر	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته الأمير الذي على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت بعلها وولده وهي مسئولة عنهم العبد مسئول على مال سیده وهو مسئول عنه	65
تمام بن محمد الرازي	1391	1295	فوائد تمام الرازي	عبد الله بن عمر	كلکم راع وكلکم مسئول الأمير راع على الناس ومسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته ومسئول عنهم المرأة راعية على بيتها وما وليت من أمر زوجها ومسئول عنه العبد راع على مال سیده ومسئول عنه	66
زاهر بن طاهر	1	1	عوالي مالك بن	عبد الله بن	كلکم راع وكلکم مسئول عن رعيته الأمير الذي على	67

الشحامى			أنس رواية الشامى	عمر	الناس راع وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم المرأة راعية على مال زوجها وولده وهى مسئولة عنهم العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه
زاهر بن طاهر الشامى	2	2	عوالى مالك بن أنس رواية الشامى	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته
على بن المفضل المقدسى	1 : 501	194	الأربعين المرتبة على طبقات الأربعين لابن المفضل المقدسى	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الإمام راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع فى أهله المرأة راعية فى بيت زوجها الخادم فى مال سيده
الذهبى	54	59	الدينار من حديث المشايخ الكبار	عبد الله بن عمر	إذا كان ثلاثة نفر فلا يتناجى اثنان دون واحد
قاسم قطلوبغا	12	12	عوالى الليث بن سعد	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت بعلها وولده وهى مسئولة عنهم العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه
محمد بن المختار بن المؤيد بالله	---	29	الفوائد المنتقاة على شرط الإمامين	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهله وهو مسئول عن رعيته امرأة الرجل راعية على بيت بعلها وولده وهى مسئولة عنه عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه
أبو طاهر السلفى	---	10	جزء بانتخاب أبى طاهر السلفى	عبد الله بن عمر	كلكم راع
البوشنجى	30	30	المنظوم والمنتور من	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم المرأة راعية على بيت

			الحديث		بعلها وولده وهى مسئولة عنهم العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه	
75	عبد الله بن عمر	الجزء الأول والثانى من فوائد ابن بشران	92	92	أبو الحسين بن بشران	كلكم راع ومسئول عن رعيته المرأة فى بيت زوجها راعية وهى مسئولة عن رعيته الخادم فى مال سيده راع وهو مسئول الرجل راع وهو مسئول عن رعيته
76	عبد الله بن عمر	جزء من حديث خيثمة الأطرابلسى	39	---	خيثمة بن سليمان الأطرابلسى	كلكم راع وكلكم مسئول الأمير راع على الناس ومسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته ومسئول عنهم المرأة راعية على بيتها وما وليت من أمر زوجها ومسئولة عنه العبد راع على مال سيده ومسئول عنه
77	عبد الله بن عمر	حديث عبيد الله بن عمر	108	---	عبد الله بن محمد بن ناصح	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهله وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت بعلها وولده وهى مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه ألا وكلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته
78	عبد الله بن عمر	الرابع من فوائد أبي عثمان البحيرى	36	---	البحيرى	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع ومسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته ومسئول عنهم امرأة الرجل راعية فى بيت بعلها وولده وهى مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه
79	عبد الله بن عمر	الطيوريات	406	3 : 943	أبو الحسن الطيورى	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته
80	عبد الله بن عمر	السباعيات الألف	94	---	زاهر بن طاهر بن محمد الشحامى	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها وولده وهى مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه
81	عبد الله بن عمر	المرحمة الغيثية	56	---	ابن حجر العسقلانى	كلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته

			بالترجمة الليثية		وهو مسئول عنهم امرأة الرجل على بيت بعلها وهي مسئولة عنه العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه	
محمد بن العباس بن نجيع البزاز	---	30	الثانى من حديث أبى بكر محمد بن العباس بن نجيع البزاز	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكل مسئول الأمير راع على الناس وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنهم المرأة راعية على بيتها وما وليت من أمر زوجها ومسئولة عنه ألا وكلكم راع وكلكم مسئول	82
ابن حجر العسقلانى	---	87	نظم الآلى بالمائة العوالى	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت بعلها وولده وهي مسئولة عنهم العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه	83
أحمد بن موسى ابن مردويه	---	2	أمالى ابن مردويه	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الرجل عن أهل بيته المرأة عن أهل بيتها العبد عن مال سيده الإمام راع على الناس كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته	84
أبو القاسم بن بشران	1 : 332	785	أمالى ابن بشران	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع الرجل على أهل بيته راع وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها وولده وهي مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته	85
أبو القاسم بن بشران	1 : 291	678	أمالى ابن بشران	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع الرجل على أهل بيته راع وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها وولده وهي مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته	86
عبد الرحمن بن محمد بن	---	2	مجلس لابن بالويه	عبد الله بن عمر	كل راع مسئول عن رعيته	87

أحمد بن بالويه					
أبو يعلى الفراء	1 : 54	9	ستة مجالس من أمالي الفراء	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهله وهو مسئول عن رعيته امرأة الرجل راعية على بيت بعلمها وولده وهي مسئولة عنه عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه
عبد الملك بن بشران	1 : 291	651	أمالي ابن بشران) مجالس أخرى (عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذي على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل على أهل بيته راع وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها وولده وهي مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته
عبد الملك بن بشران	1 : 332	753	أمالي ابن بشران) مجالس أخرى (عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذي على الناس راع وهو مسئول عنهم الرجل على أهل بيته راع وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها وولده وهي مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته
أبو القاسم بن بشران	---	51	أمالي ابن بشران ١٠	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذي على الناس راع الرجل على أهل بيته راع وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها وولده وهي مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه
أبو القاسم بن بشران	---	36	أمالي ابن بشران ١٢	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذي على الناس راع الرجل على أهل بيته راع وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها وولده وهي مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته
طراد الزينبي	---	63	تسعة مجالس من أمالي طراد	عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذي على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم الرجل راع على

			بن محمد الزينى	أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت زوجها ولداها وهى مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه	
ابن عبد البر	---	345	إثارة الفوائد عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت بعلها وولده وهى مسئولة عنهم العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه	94
ابن عبد البر	---	344	إثارة الفوائد عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته	95
البيهقى	1 : 195	236	الاعتقاد إلى سبيل الرشاد للبيهقى عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع عليهم وهو مسئول عنهم الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت بعلها وولداها وهى مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنه	96
البيهقى	---	6866	شعب الإيمان للبيهقى عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير راع على الناس وهو مسئول الرجل راع على أهله وهو مسئول المرأة راعية على بيت زوجها وهى مسئولة العبد راع على مال سيده وهو مسئول	97
البيهقى	---	8087	شعب الإيمان للبيهقى عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع وهو مسئول عنهم الرجل راع إلى أهل بيته وهو مسئول عنهم امرأة الرجل راعية على بيت بعلها وولده وهى مسئولة عنهم عبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول عنهم	98
البيهقى	---	4865	شعب الإيمان للبيهقى عبد الله بن عمر	كلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته الأمير الذى على الناس راع وهو مسئول عن رعيته الرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عنهم المرأة راعية على بيت بعلها وولده وهى مسئولة عنهم العبد راع على مال سيده وهو مسئول عنه	99
البيهقى	---	10309	شعب الإيمان للبيهقى عبد الله بن عمر	كل راع مسئول عن رعيته	100

۲۳. یعنی: هنگامی که امت اسلامی به زمامداری مثل یزیدگرفتار آید، باید فاتحه اسلامرا خواند. من از جدّم رسول خدا شنیدم که می فرمود: خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است. امام حسین (ع) در پی اصرار «مروان بن حکم» برای بیعتبا یزید، با قاطعیّت اینگونه فرمود: انا لله و انا الیه راجعون و علی الاسلام ...

۲۴. و در میان حقوق الهی، بزرگترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی که خدای سبحان، بر هر دو گروه لازم شمرد، و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر، و عزّت دین قرار داد. پس رعیت اصلاح نمی شود جز آن که زمامداران اصلاح کردند، و زمامداران اصلاح نمی شوند جز با درستکاری رعیت. و آنگاه که مردم حق رهبری را اداء کنند، و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزّت یابد، و راههای دین پدیدار و نشانههای عدالت بر قرار، و سنّت پیامبر (ص) پایدار گردد، پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می گردد....

۲۵. البته آنچه از احادیث در این نوشتار آمده تنها نمونه هایی از کاربرد مفاهیم مورد نظر است و بررسی کامل آنها در متون روایی ما بررسی گستردهای را می طلبد.

26. Morphophonemics

۲۷. ثلاثی مجرد یا سه حرفی

۲۸. «الرعی فی الاصل حفظ الحيوان اما بغذائه الحافظ لحياته و اما بذبّ العدو عنه...»

۲۹. «الرعی و هی حفظ العین یقال رعیت الرجل اذا تاملته و وحفظته و تعرفت اعماله ..»

۳۰. «و رعایة الحق حفظه و النظر فيه و رعاك الله حفظك و و قاک»

۳۱. «الْإِمَامُ عَالِمٌ لَّا يَجْهَلُ وَرَاعٍ لَّا يَنْكُلُ»

۳۲. دعوت کننده [حق پیامبر] دعوت خویش را به اتمام رسانید و سرپرست امت به سرپرستی برخاست، دعوت کننده حق را اجابت کنید و از امامتان تبعیت نمایید.

۳۳. «یا هادی من استهداه یا کالی من استکلاه یا راعی من استرعاه یا شافی من استشفاه»

۳۴. «تلك الاخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الارض و لا فساداً و العاقبة للمتقين»

۳۵. اصل بخشی از روایت مورد نظر جنین است: «...ما ذئبان ضاریان فی غنم قد تفرق رعاؤها بأ ضر فی دین المسلم من طلب الرئاسة»

۳۶. «... و الرعاء بالكسر و المد جمع راع، اسم فاعل و بالضم اسم جمع، صرح بالأول صاحب المصباح و بالثانی القاضی و تفرق الرعاء لبيان شدة الضر فإن الراعی إذا كان حاضراً يمنع الذئب عن الضرر و یحمی القطیع. و الظاهر أن قوله فی دین المسلم صلة للضرر المقدر أی لیس ضرر الذئبین فی الغنم بأشد من ضرر الرئاسة فی دین المسلم ...»

37. Political metaphorical meaning

38. Linguistic

39. Cognitive Linguistics.

40. Domain Source

41. Domain Target

42. Mapping

۴۳. این منظور در اینجا به قول ابوقیس ابن اسلت استناد می کند که گفته است : «...ولا المَرَعِي، في الأَقْوَامِ، كَالرَّاعِي (ابن منظور، ۳۲۶/۱۴) یعنی: ... در اقوام رعایت شونده (مورد رعایت) مانند رعایت کننده نیست.»

۴۴. این واژه به معنای چرندگان (گوسفندان و...) در مقابل راع به مفهوم چوپان است.

45. Metaphorical explanation

۴۶. در برخی از روایات نقل شده واژه الانیامده است ولی در بعضی از آنها آمده است.

۴۷. «ایما وال ولی شیئاً من امر امتی فلم یصح لهم و یجتهد لهم کنصیحتہ و جهده لنفسه کبہ الله تعالی علی وجهه یوم القيامة فی النار»

۹. منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آذرتاش، آذرتاش (۱۳۷۹)، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: نشر نی.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۴۰۴ق.)، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ابن بابویه (صدوق شیخ)، محمد بن علی (۱۳۶۶) معانی الاخبار، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۵۱۴۲۱هـ.)، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، ابی الفضل جمال ا الدین محمد بن مکرم (۱۹۸۶م-۱۳۸۸ق.)، لسان العرب، بیروت: دارصادر و داربیروت.
- احسانی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ق.)، عوالی اللئالی، قم: انتشارات سید الشهداء (ع).
- ازهری، محمد بن احمد (۵۱۴۲۱هـ.)، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- البستانی، فؤاد افرام (۱۳۶۲)، فرهنگ جدید عربی - فارسی، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ چهارم.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،
- انصاری، بشیر احمد (۱۳۹۳) «از حیوان سیاسی تا سیاست حیوانی» در:

<http://www.bashiransari.com>

- ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۷۸)، **مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن مجید**، ترجمه فریدون بدره ای، تهران.
- بجنوردی، سید محمد و مهریزی ثانی، محمد (۱۳۹۲)، «حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی»، **پژوهشنامه متین**، شماره ۶۱، زمستان.
- بخاری، محمد ابن اسماعیل (۱۴۲۲ق. - ۲۰۰۱م.)، **صحیح**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- پالمر، فرانک، **نگاهی تازه به معنی‌شناسی**، ترجمه کورش صفوی، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- **پیام پیامبر** (۱۳۷۶) تدوین و ترجمه: بهاء‌الدین خرمشاهی و مسعود انصاری، تهران: انتشارات جامی.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۵): **رخ اندیشه**، دفتر اول: **روش‌شناسی شناخت اندیشه‌های سیاسی**، تهران: کلبه معرفت، چاپ اول.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۸): «حکومت و رعایت، درآمدی بر فلسفه سیاسی حکومت در اسلام» **دانش سیاسی**، سال پنجم، ش. دوم، پاییز و زمستان.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۹۳): «حکومت و رعایت، درآمدی بر فلسفه سیاسی حکومت در اسلام» **روزنامه ایران**، ش. ۵۸۳۶، ص. ۱۷.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۵۱۳۷۶ه.) **الصحاح**، محقق احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حائری یزدی، مهدی، (۱۹۹۵م.) **حکمت و حکومت**، لندن: انتشارات شادی.
- حاجی خانی، علی، روحی برندق، کاووس و دهقان، علی (۱۳۹۵) «ریشه‌شناسی واژه قرآنی «علم» در زبان‌های سامی» **جستارهای زبانی**، ش. ۶، پیاپی، پاییز، صص ۲۷-۴۷.
- خادم زاده، وحید و سعیدی مهر، محمد (۱۳۹۳) «استعاره‌های مفهومی علیت در دیدگاه لیکاف»، **دوفصلنامه فلسفی شناخت**، شماره ۷۱/۱، پاییز و زمستان، صص ۷-۳۳.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۷۳) **شرح غرر الحکم و دررالکلم**، مقدمه و تصحیح و تعلیق میر جلال‌الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- دلیر، نیره (۱۳۹۳)، «گفت‌و‌مان رعیت و راعی در نظام اندرزنامه ای دوره اسلامی» **جستارهای**

- سیاسی معاصر، سال پنجم، شماره سوم، پاییز، صص ۶۲-۸۲.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۳)، **امثال و حکم**، تهران: امیر کبیر.
 - دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۳)، **لغت نامه**؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۴۱۲ق.) **ارشادالقلوب**، قم: انتشارات شریف رضی.
 - ذیلایی، نگار (۱۳۹۳)، «تطور اصطلاح رعیت و قشر بندی رعایا در تشکیلات اسلامی»، **تاریخ و تمدن اسلامی**، شماره ۱۹، بهار و تابستان، صص ۸۷-۱۰۴.
 - راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۰۴ق.)؛ **المفردات فی غریب القرآن**، تهران مطبعه خدمات چاپی.
 - **راهنمای انسانیت**، (۱۳۷۷)؛ گردآورنده مرتضی فرید تنکابنی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 - روبینز، آر. اچ. (۱۳۸۴) **تاریخ مختصر زبانشناسی**، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران.
 - ری شهری، محمدی (۱۴۱۹ق.)؛ **میزان الحکمه**، بیروت: دارالحدیث، چاپ دوم، ۹ ج.
 - زبیدی، محمد بن محمد مرتضی (بی تا) **تاج العروس**، بیروت: انتشارات دارالحکمه الحیاء.
 - زبیدی، محمد بن محمد مرتضی (۱۴۱۴هـ.) **تاج العروس**، بیروت: انتشارات دارالفکر.
 - سجودی، فرزانه و قنبری، زهرا (۱۳۹۱) «بررسی معناشناختی استعاره زمان در داستان‌های کودک به زبان فارسی»، **نقد ادبی**، س ۵، ش ۱۹، پاییز، صص ۱۳۵-۱۵۶.
 - سعیدی، مصلح الدین (بی تا)، **گلستان**، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه.
 - الشرقی، محمد علی (۱۳۶۶)؛ **قاموس نهج البلاغه**؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، جلد ۲.
 - شعیری (۱۳۶۳) **جامع الاخبار**، قم: انتشارات رضی.
 - شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۵) **نشانه معناشناسی ادبیات**، تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
 - صدر، سیدمحمد باقر (۱۹۸۹م. - ۱۴۱۰ق.)، **الاسس الاسلامیه** در: محمد الحسینی، **الامام الشهید سید محمد باقر الصدر**، بیروت: دارالفرات.
 - صدر، سیدمحمد باقر (۱۳۹۹ق.) **خلافة الانسان و شهادة الانبیاء**، تهران، جهاد البناء، خ.
 - صدر، سیدمحمد باقر (۱۳۵۹) **خلافت انسان و گواهی پیامبران**، ترجمه سید جمال

- موسوی، تهران: انتشارات روزبه.
- صاحب، اسماعیل بن عباد(۵۱۴۱۴). *المحیط فی اللغه*، بیروت: عالم الکتاب.
 - صارمی، محمود(۱۳۹۳)، *بررسی و تحلیل استعاره در شعر پس از انقلاب از دیدگاه معناشناسی شناختی با تأکید بر شعر قیصر امین پور و سید حسن حسینی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور، رشته زبان و ادبیات فارسی.
 - صفوی، کوروش، (۱۳۸۷)، *درآمدی بر معنی شناسی*، تهران: سوره مهر.
 - صفوی، کورش، (۱۳۸۲)، *معنی شناسی کاربردی*، تهران: انتشارات همشهری.
 - طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۶۷) *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: اسلامی.
 - طبرسی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق.) *الاحتجاج*، مشهد: نشر مرتضی.
 - طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق.) *الامالی*، قم: دارالتقافه.
 - عباسی، مهرداد و مریم پور افخم(۱۳۹۰) «کاربرد معناشناسی در زمانی در تبیین مفاهیم اعتقادی قرآن: مفهوم الله از نگاه ایزوتسو» *صحیفه مبین*، شماره ۴۹، بهار و تابستان، صص ۱۱۳-۱۴۲.
 - *عهد عتیق(تورات)*، ارمیای نبی.
 - غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۶۱)، *نصیحه الملوک*، تصحیح جلال الدین همایی، تهران: بابک.
 - فراهیدی، خلیل بن احمد(۵۱۴۰۹). *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
 - فیومی، احمد بن محمد(۵۱۴۱۴). *المصباح امنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم: موسسه دار الهجره.
 - قمی، شیخ عباس (بی تا) *مفاتیح الجنان*، چاپهای گوناگون.
 - کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 - گلشائی، رامین و دیگران،(۱۳۹۳)، «ارزیابی پیکره بنیاد مفروضات نظریه استعاره مفهومی»، *جستارهای زبانی*، شماره پیاپی ۱۷، بهار، صص ۲۲۳-۲۴۷.
 - مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق.)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الرفاء، ۱۱۰ جلد.
 - محمدی ری شهری(۱۴۱۹ق.)، *میزان الحکمه*، بیروت: موسسه دار الحدیث الثقافیه، طبع الثانی.

- مسلم، ابو حسین مسلم بن حجاج (۱۴۲۰ق. - ۲۰۰۰م.)، صحیح، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، مجموعه آثار ۱۶، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار ۱۷، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات صدرا.
- مگی، براین (۱۳۷۸) مردان اندیشه، پدیدآورندگان فلسفه معاصر، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: طرح نو، چاپ سوم.
- منتظری، حسنعلی (۱۳۶۷) مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، تهران: کیهان، جلد اول.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۸) تنبیه الامه و تنزیه المله، با توضیحات سید محمود طالقانی، تهران: شرکت سهامی نشر، چاپ نهم.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق.) مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البیت.
- نهج البلاغه، (۱۴۱۹ق.) تدوین و گردآوری سید شریف رضی، قم: دارالکتب.
- ورام، ابن ابی فراس (بی تا) مجموعه ورام، قم: مکتبه الفقیه.
- -وهج الفصاحه فی ادب النبی (۱۴۰۸هـ/ ۱۹۸۸م) بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- هاشمی، زهره (۱۳۸۹)، «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون»، ادب پژوهی، شماره دوازدهم، تابستان.
- هیندس، باری (۱۳۸۰)، گفتارهای قدرت از هابز تا فوکو، ترجمه مصطفی یونسی، تهران: شیرازه.
- یوسفی راد، فاطمه (۱۳۸۲) بررسی استعاره زمان در زبان فارسی: رویکرد معناشناسی شناختی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، رشته زبانشناسی همگانی.
- Chomsky, Noam, (2006) **Language and Mind**, Cambridge: Cambridge university press, Third Edition.
- Lakoff, G. (1993). **The Contemporary Theory of Metaphor and Thought**. Andrew Ortony (Ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, G. (2006). "Conceptual Metaphor, the Contemporary Theory of Metaphor". In: **Dirk Geeraert ed. Cognitive Linguistics: Basic Reading**,

- Berlin & New York: Mouton. pp. 185238.
- Lackoff, G. & Johnson M.(2002) **Metaphors We Live by**, Chicago and London: The University of Chicago Press.
 - Lackoff, G. & Johnson, M.(1999) **Philosophy in the Flesh**, New York: Basic Books.
 - Lackoff, G. & Johnson, M.(2003) **Afterwards, in Metaphors We Live By**, 2nd ed., Chicago and London: University of Chicago Press.
 - Jamasb Asana, J. M. (1897). **Pahlavi Texts**, Bombay.
 - Tansey, stepen D. (1999) **Politics**, London: routledge.
 - <http://audio.islamweb.net/audio/index.php?page=FullContent&audioid=147787>
 - <http://nabulsi.com/text/04hadeeth/1shareh/5saliheen/41-050sal/sal044.pdf>